



تقلا برای بقا؛

دختری که از میان محدودیت‌ها جوانه زده است



پس از بارها ناامیدی و بسته ماندن درب دانشگاه‌ها به‌روی دختران به سمت راه و رویای دیگری پا گذاشته است. هنوز امید در چشمانش پیداست و سخنانش بوی زنده‌گی می‌دهد. عزمش برای آغاز دوباره و سر بلند کردن از زیر آوارهای ناامیدی، محکم و استوار است. می‌گوید که تا ریشه در آب است، امید به ثمر است. با استفاده از اندک ریشه‌ای که در آب باقی مانده است، در حال تقلا برای بقا و جوانه زدن دوباره است. او زیر پرچم حاکمیت استبدادی گروهی زنده‌گی می‌کند....

آیا روسیه ناگزیر به حمایت از جبهه مقاومت ملی است؟



نصب هزاران دوربین مخفی؛

شهروندان نگران نقض حریم خصوصی و جاسوسی طالبان هستند

ادامه بازداشت غیرنظامیان؛ طالبان دو باشند پنجشیر به‌شمول یک معلم را در کابل بازداشت کردند

صبح ۸، پنجشیر: منابع محلی از بازداشت دو باشند ولایت پنجشیر به‌شمول یک آموزگار مکتب از سوی طالبان در کابل خبر می‌دهند. منابع روز جمعه، ۱۰ سنبله، در صحبت با روزنامه صبح ۸ می‌گویند که طالبان این افراد را که گل حیدر و سیدرحمان نام دارند، در روز پیش از مربوطات حوزه اول امنیتی شهر کابل بازداشت و به‌جای نامعلوم انتقال داده‌اند.



به گفته منابع، گل حیدر آموزگار مکتب است و سیدرحمان در شهر کابل دست‌فروشی می‌کرد. هرچند تا کنون انگیزه بازداشت این دو تن معلوم نیست، اما طالبان در چند روز اخیر، روند بازداشت غیرنظامیان به‌ویژه باشندگان ولایت پنجشیر را افزایش داده‌اند. طالبان تا کنون در مورد این بازداشت‌ها چیزی نگفته‌اند. بر بنیاد گزارش‌های نشر شده، طالبان تنها در یک هفته گذشته به‌شمول این افراد، چهار تن از باشندگان پنجشیر را به‌دلیل نامعلوم بازداشت کرده‌اند. با این حال، طالبان در مورد این‌گونه اقدام‌هایشان به هیچ نهاد حقوق بشری پاسخگو نیستند.

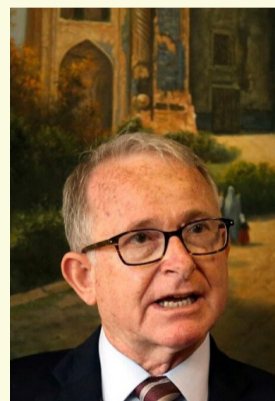
جبهه آزادی مدعی کشتن دو عضو استخبارات طالبان در شکرده کابل شد



در کابل و محافظش از کشته‌شده‌گان این رویداد هستند. جبهه آزادی گفته که قاری سارالدین اعضای این جبهه در کابل را تعقیب می‌کرد. طالبان تا کنون در مورد این رویداد اظهار نظری نکرده‌اند. این جبهه چندی پیش مدعی حمله بر یک پوسته طالبان در لغمان نیز شده بود که در نتیجه آن طبق ادعای مطرح‌شده دو طالب کشته و سه تن دیگر زخمی شدند.

صبح ۸، کابل: جبهه آزادی افغانستان (AFF) ادعا کرده که دو عضو استخبارات طالبان در یک کمین نیروهای این جبهه کشته شده‌اند. طبق خبرنامه جبهه، این اعضای طالبان ساعت ۸:۳۰ پنج‌شنبه‌شب، ۹ سنبله، طی یک «کمین هدفمند» در روستای چپردره ولسوالی شکرده کابل کشته شدند. منابع محلی در شکرده وقوع تیراندازی و درگیری در ساحه یادشده را به روزنامه صبح ۸ تایید کردند. قاری سارالدین، عضو ارشد استخبارات طالبان

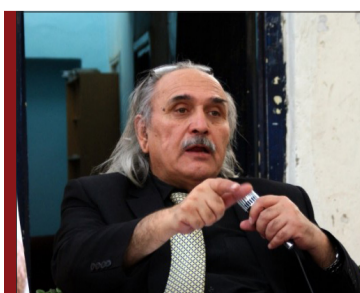
پایان سفر چهارروزه بنت به ترکیه



صبح ۸، کابل: ریچارد بنت، گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد از پایان سفر چهارروزه‌اش به ترکیه و گفت‌وگو در مورد حقوق بشر با مهاجران افغان خبر داده است. سفر بنت به ترکیه روز جمعه، ۱۰ سنبله، پایان یافت و او از این مورد در پستی در شبکه اجتماعی ایکس (توییت سابق) اطلاع داد. بنت افزوده است: «پس از یک دیدار چهارروزه که در آن در مورد وضعیت حقوق بشر افغانستان با گروه‌های مختلفی از زنان و مردان تاب‌آور افغان که از کشور خود فرار کرده‌اند، صحبت کردم.» به قول او در گفت‌وگو با این گروه‌ها، نگرانی‌های زیادی در مورد طیف گسترده‌ای از نقض حقوق بشر را شنیده است.

بنت در آغاز دیدار و گفت‌وگوهایش در مورد افغانستان پیش از این به آلمان نیز سفر کرد و با آنالنا بریوک، وزیر امور خارجه آن کشور دیدار کرد.

او همچنان در سفرش به ترکیه با مقامات و نهادهای دولتی این کشور و کارمندان سازمان ملل در آن جا ملاقات کرده است. بنت چهارروز پیش برای دیدار با مهاجران افغان از آلمان به ترکیه سفر کرده بود.



دیدگاه‌های اجتماعی بیدل در طور معرفت



گفت‌وگو با داکتر قیس نسیمی؛ مراقبت‌های صحیح چشم با بحران روبه‌روست



افغانستان و فروپاشی آرمان‌های جمعی

افراد به تنهایی سبب تغییرات بزرگ نمی‌شوند، جز در موارد محدود و استثنایی. تغییر بزرگ هنگامی رخ می‌دهد که بخشی از جامعه برای آرمانی مشترک بسیج می‌شوند و توده‌ها را برای تحقق آن به حرکت درمی‌آورند. افغانستان در پی فروپاشی‌های متعددی که تجربه کرده است، اینک با نوع دیگری از فروپاشی نیز دست به گریبان است و آن فروپاشی آرمان‌های جمعی است. در چند دهه پیشتر، هنوز که جنگ‌ها آغاز نیافته بود، دست‌کم دو جریان به‌شدت آرمان‌گرا در افغانستان به جلب‌وجذب توده‌ها روی آورده بودند. در یک طرف جریان چپ قرار داشت که از میان برداشتن تضادهای طبقاتی و پیاده کردن عدالت اجتماعی را سرلوحه تبلیغات خود کرده بود. این آرمان، با آن که ناقص بود و نمی‌توانست مفهوم فربه‌ی از عدالت را بازتاب بدهد تا شامل عدالت قومی، عدالت جنسیتی و عدالت دینی و مذهبی نیز بشود و هر گونه تبعیض و نابرابری را بر هر پایه‌ای که بنا شده باشد براندازد، اما در همین حد نیز می‌توانست بخشی از مردم را به شور و هیجان درآورد، به‌ویژه نسل جوانی را که خواهان تغییرات رادیکال اجتماعی و سیاسی بود.

در طرف دیگر ماجرا گروه‌های اسلام‌گرای سیاسی قرار داشتند که برپایی جامعه توحیدی، نظام خالص اسلامی، احیای امت، اعاده عظمت از دست رفته مسلمانان و شعارهایی از این قبیل را بالا کرده بود. هرچند مرز توهم و حقیقت در گفتمان این جریان از میان برخاسته بود و تفکیک خیال و واقعیت دشوار بود، با آن هم می‌توانست برای بخش‌های نسبتاً وسیعی از توده‌ها الهام‌بخش باشد و آنان را به مبارزه سوق دهد.

برعکس دو جریان یادشده، گروه‌های ملی‌گرا نتوانستند آرمان ملی مشترکی را در افکنند که شور و شوقی گسترده برانگیزد و از این رو به‌زودی در برابر این دو جریان به انزوا رفتند. البته فضای عمومی جهان نیز به سود دو جریان پیشتر بود که در پس خود حمایت دو کمپ جهانی قدرت را داشتند، خلاف ملی‌گرایی لیبرال که حامی قدرت‌مندی در هیچ‌جا نداشت.

شروع جنگ‌ها و سپس ویرانی‌هایی که در پی آورد، اعتبار هر دو ایدئولوژی چپ و اسلام‌گرا را بر زمین زد و روند فروپاشی را وسعت و ژرفای بیشتری بخشید. در دو دهه جمهوریت که فرصتی استثنایی برای بازسازی کشور فراهم آمده بود، جای آرمان‌ها و آرمان‌گرایی‌های گذشته را دعوای قومی و محلی گرفت و پهنه سیاست را معامله‌گرانی به اشتغال خود درآوردند که فاقد هر گونه آرمان بلند ملی و میهنی بودند. پس از فروپاشی جمهوریت، ابتدال گفتمانی به حدی رسیده است که نام بردن از آن‌ها مایه شرم است و بسیاری که خود را صاحب‌نظر و تیوری‌پرداز می‌گیرند، کارشان به مرز دشنام و عیب‌گیری‌های کوچک و بزرگی رسیده و از هر گونه چشم‌انداز کلان‌فرسنگ‌ها فاصله پیدا کرده‌اند.

این فروپاشی آرمان‌های جمعی و درافتادن در باتلاق گروهک‌بازی و محلی‌گرایی، در درون کشور مایه تعمیق سرخورده‌گی و در بیرون کشور مایه بی‌اعتباری سیاسی شده است. ناظران بیرونی به این‌دست از سیاست‌گران سخیف به چشم بیمارانی روانی می‌نگرند که خود غرق شده‌اند و بقیه را نیز به غرقاب می‌رانند. از همین رو آنان را کسی در عالم سیاست جدی نمی‌گیرد و در محاسبات کلان‌حسابی برای‌شان باز نمی‌کند. این فروپاشی به ظاهر ادامه دارد، تا آن‌گاه که نسلی دیگر و جمعی دیگر با آرمان‌های بلندتر یا به صحنه بگذارد و اعتماد و باور را جای‌گزین بی‌باوری و بی‌اعتمادی کند.

وزیر فرهنگ طالبان: کودکان تان را به مدرسه‌ها بفرستید تا تاریخ طلائی ما زنده بماند



۸صبح، کابل: ملا خیرالله خیرخواه، سرپرست وزارت اطلاعات و فرهنگ طالبان در نشست گفتی است که برای زنده باقی ماندن «تاریخ طلائی ما» بچه‌های تان را به مدرسه‌های دینی بفرستید. خیرخواه روز جمعه، ۱۰ سنبله، طی نشستی به مناسبت ایجاد یک مدرسه دینی در پکتیا این مطلب را در میان مردم و شماری از اعضای کابینه این گروه مطرح کرده است. او افزوده است که مردم از فرصت ایجاد شده در پکتیا استفاده کنند. در مراسم تهداب‌گذاری سنگ تعمیر این مدرسه

دینی مقام‌های بلندپایه طالبان از جمله سراج‌الدین حقانی، سرپرست وزارت امور داخله این گروه حضور داشته‌اند. طالبان از بدو تسلطشان بر کشور ده‌ها مدرسه دینی در سراسر کشور ایجاد کرده‌اند. این در حالی است که درب مکاتب دخترانه بالاتر از صنف ششم و دانشگاه‌ها به‌روی دختران بسته است و صدها مکتب از جمله در کابل تعمیر ندارند. گفتنی است که مدارس دینی در سراسر کشور از سوی رهبری طالبان و وزارت معارف این گروه تمویل می‌شوند.

ادامه درگیری‌های خودی طالبان در تخار؛ دو طالب کشته شدند



۸صبح، تخار: منابع محلی در ولایت تخار می‌گویند که دو طالب در یک درگیری خودی در تخار کشته و یک تن دیگر زخمی شده است. براساس گفته‌های منابع درگیری پنج‌شنبه‌شب، ۹ سنبله، در روستای قریلدی ولسوالی خواجه بهاول‌الدین میان دو گروه طالبان رخ داده است. این رویداد پس از آن رخ داده که طالبان پشتون تبار بر خانه نصرالله تاجیک‌تبار، محافظ قاری طیب، معاون قول اردوی طالبان در دارالامان کابل، در روستای قریلدی این ولسوالی هجوم بردند. در این درگیری، دو تن از جنگ‌جویان طالبان از دو طرف کشته شدند. منابع می‌افزایند که محافظ قاری طیب بعد از

چند ماه تازه به خانه برگشته بود که این درگیری به‌وقوع پیوست. منابع دلیل این رویداد را اختلافات درونی و شخصی عنوان کردند. این در حالی است که چند روز پیش طی یک درگیری خودی دیگر میان دو جناح طالبان در فرخار تخار یک طالب کشته و پنج طالب دیگر که باشندگان قندهار بودند زخمی شدند.

واکنش موسوی به اظهارات متقی؛ با شخصی سازی موضوع نمی‌توان از مسوولیت‌های بین‌المللی گریخت

گریخت. صلح، ثبات، امنیت و توسعه پایدار در استقرار حکومت فراگیر در افغانستان است. او یادآوری کرده که تشکیل حکومت فراگیر موضوع قطعنامه‌های ۲۵۱۳ و ۲۵۹۳ شورای امنیت و اجماع نشست‌های وزیران خارجه کشورهای همسایه افغانستان در چین، ایران، پاکستان و اوزبیکستان است. امیرخان متقی در نشست در کابل بدون اشاره به کشور خاص گفته است: «تو که همیشه ما را به تشکیل حکومت همه‌شمول توصیه می‌کنی، آیا تو در کشورت حکومت همه‌شمول ساخته‌ای؟ خودت حقوق مردم خود را داده‌ای؟» متقی افزوده است: «شمار افراد زندانی در زندان‌های ما به اندازه تعداد کسانی که تو اعدام می‌کنی نیست. هزاران نفر در کشورت ناپدید است کسی پسران نمی‌کند.»

هرچند مشخص نیست که دقیقاً منظور متقی کدام کشور است، اما شماری از مقام‌های ایرانی به این اظهارات واکنش نشان داده‌اند. این نخستین بار نیست که اظهارات این‌چنینی واکنش‌برانگیز می‌شود. پیش از این نیز اظهارات مشابه سبب تنش‌ها میان کابل و اسلام‌آباد و همین‌طور تهران و کابل شده بود.



۸صبح، کابل: اظهارات غیرمستقیم و تند امیرخان متقی، سرپرست وزارت امور خارجه طالبان در مورد تشکیل دولت فراگیر که گفته می‌شود مخاطب آن دولت ایران بوده با واکنش یک مقام این کشور مواجه شد. سید رسول موسوی، دستیار وزیر امور خارجه ایران روز جمعه، ۱۰ سنبله، در پستی در ایکس با نشر بریده‌ای از سخنان متقی، طالبان را به‌گونه غیرمستقیم به گریز از مسوولیت‌های بین‌المللی متهم کرده است. او نوشته است: «با دوجانبه‌سازی و شخصی‌سازی موضوع نمی‌توان از مسوولیت‌های بین‌المللی

عفو بین‌الملل: نصب دوربین‌های امنیتی نمونه‌ای از سیاست‌های ظالمانه طالبان در افغانستان است

۸صبح، کابل: عفو بین‌الملل در واکنش به نصب ۶۲ هزار دوربین امنیتی از سوی طالبان در شهر کابل، می‌گوید که این اقدام نمونه روشن از سیاست‌های مستبدانه این گروه تحت نام تأمین امنیت علیه شهروندان در افغانستان است. سازمان عفو بین‌الملل روز جمعه، ۱۰ سنبله، به نقل از مت محمودی، کارشناس و مشاور در امور هوش مصنوعی و حقوق بشر، گفته است که نصب دوربین‌های امنیتی در اماکن عمومی حقوق اساسی مردم را نقض می‌کند. محمودی تصریح کرده است: «اجرای چنین طرح گسترده از نظارت جمعی تحت عنوان تأمین امنیت نمونه ادامه سیاست‌های ظالمانه طالبان در برابر حقوق اساسی مردم در افغانستان به‌ویژه زنان در مکان‌های عمومی بوده که این گروه از دو سال به این‌سو آن را نقض می‌کند.»

این نهاد بین‌المللی خاطرنشان کرده است که در صورت نصب این دوربین‌ها حقوق حریم خصوصی و آزادی تجمع و بیان را که از زمان تسلط دوباره طالبان بر افغانستان مورد حمله بی‌سابقه‌ای قرار گرفتند، از بین می‌روند. به گفته عفو بین‌الملل این روش پیش از این از سوی اسرائیل به‌هدف تداوم ظلم و استبداد علیه شهروندان فلسطین و همچنان در نیویارک به‌منظور تبعیض نژادی توسط پولیس به کار برده شده است.

وزارت داخله طالبان گفته است که این شمار دوربین‌ها به همکاری یک شرکت چینی به‌هدف تأمین امنیت شهروندان و جلوگیری از وقوع جرایم جنایی در پایتخت نصب شدند، اما شماری از باشندگان کابل گفتند که طالبان با این اقدام‌شان در تلاش مهار کردن حرکت‌های ضد این گروه هستند. طالبان پس از روی کار آمدن دوباره‌شان در افغانستان، محدودیت‌های زیادی را علیه مردم به‌ویژه زنان وضع کردند.



رییس بانک مرکزی طالبان در یک حادثه ترافیکی زخمی شد و راننده‌اش جان باخت

۸صبح، فراه: در نتیجه یک رویداد ترافیکی در شاهراه هرات - قندهار، هدایت‌الله بدری، سرپرست بانک مرکزی طالبان زخمی شده و راننده‌اش جان باخته است. این رویداد روز جمعه، ۱۰ سنبله، در دوراهی ولایت فراه و در ساحه‌ای از شاهراه هرات - قندهار رخ داده است.

به گفته منابع، سرپرست بانک مرکزی طالبان پس از این حادثه ترافیکی با چرخبال از ساحه منتقل شده است. از وضعیت صحتی این مقام طالبان هنوز جزئیات دقیق در دست نیست.

دلیل وقوع این رویداد ترافیکی مشخص نیست. وقوع رویدادهای ترافیکی هرازگاهی تلفات جانی برجای می‌گذارد. روز گذشته در نتیجه انحراف یک عراده موتر حامل جنگ‌جویان طالبان و بسته‌گان‌شان در یاوان بدخشان دست‌کم شش تن جان باختند.



همزمان با اظهارات طالبان در مورد دوربین‌های امنیتی، برخی از آگاهان امور امنیتی به این باورند که نصب این دوربین‌ها کمکی به کاهش جرایم نمی‌کند. به گفته آنان، طالبان توانایی و ظرفیت لازم استفاده آتی از این دوربین‌ها را ندارند و زمانی که جرم اتفاق افتاد، آنان دوربین‌های امنیتی را بررسی می‌کنند که نقشی در جلوگیری از جرم ندارد.

نصب هزاران دوربین مخفی؛

شهروندان نگران نقض حریم خصوصی و جاسوسی طالبان هستند

کامین کاوه

باشد. او، از معترضان در کابل می‌خواهد که در رفت‌وآمدهای شان دقت لازم را به خرج دهند تا شکار دوربین‌های امنیتی طالبان نشوند.

با این حال، شماری از فعالان حقوق بشر این اقدام طالبان را «ظالمانه» توصیف کرده‌اند. آنان می‌گویند که طالبان در تباری و روبرداری از رژیم ایران، دست به این اقدام زده‌اند. به گفته آنان، نظام‌های دیکتاتوری در تحکیم پایه‌های نظام‌های خود، همکاری قوی دارند. به باور آن‌ها، طالبان از ایران مسایل جاسوسی، ردیابی و سرکوب مخالفان را آموخته‌اند.

از سوی دیگر، فعالان مدنی نیز این اقدام طالبان را «جاسوسی و نقض‌کننده حریم خصوصی» خوانده‌اند. احمد، از فعالان مدنی، نصب دوربین‌های امنیتی توسط طالبان را ناقض حریم خصوصی و جاسوسی از زنده‌گی شهروندان می‌داند. او می‌افزاید که طالبان با این کار، زنده‌گی رقت‌بار کنونی را برای مردم به دوزخ تبدیل خواهند کرد. این فعال مدنی تاکید می‌ورزد که اگر بر دروازه هر خانه یک دوربین امنیتی نصب شود و اختیار آن به دست طالبان باشد، فضا و مکان زیست انسانی از مردم گرفته می‌شود.

این نگرانی‌ها در حالی شدت گرفته که به‌تازگی سازمان عفو بین‌الملل، نصب ۶۲ هزار دوربین امنیتی از سوی طالبان در شهر کابل را نقض حقوق اساسی مردم و نمونه‌ای روشن از سیاست‌های مستبدانه این گروه خوانده است.

این سازمان افزوده است: «اجرای چنین طرح گسترده از نظارت جمعی تحت عنوان تامین امنیت، نمونه ادامه سیاست‌های ظالمانه طالبان در برابر حقوق اساسی مردم در افغانستان به‌ویژه زنان در مکان‌های عمومی بوده که این گروه از دو سال به این سو آن را نقض می‌کند.» به گفته این سازمان، نصب این دوربین‌ها، حریم خصوصی و آزادی بیان و تجمعات شهروندان را از بین می‌برد.

با این حال، گفته می‌شود که این دوربین‌های مداربسته با همکاری تحلیلی شرکت‌های چینی نصب شده است. قبل از این، شرکت چینی هواوی (Huawei) موافقت کرده است که به طالبان در نصب سیستم‌های نظارتی پیشرفته در همه ولایت‌های افغانستان کمک کند.

گفتنی است که سیستم‌های دوربین‌های مداربسته می‌توانند به چین اجازه دسترسی به پایگاه‌های اطلاعاتی تشخیص چهره را بدهند تا از آن برای تلاش‌های امنیتی داخلی خود استفاده کنند.

خبرگزاری RANE در گزارشی اعلام کرده که این توافق ظاهراً بر تمایل چین برای تعامل با طالبان برای کاهش احتمالی بی‌ثباتی و تهدیدات امنیتی، به‌ویژه از سوی ترکستان شرقی و داعش شاخه خراسان، صورت گرفته است.

طالبان در حالی دست به نصب دوربین‌های مداربسته امنیتی زده‌اند که پیش از این دولت ایران اعلام کرده بود که برای مقابله با موج فزاینده از اعتراض‌ها و مخالفان حجاب اجباری، طرح نصب دوربین‌های مداربسته در معابر و مکان‌های عمومی را به اجرا گذاشته است.

دوربین‌ها به زور توسط مالکان خانه‌ها خریداری شده و در صورتی که از دستور طالبان سرپیچی صورت گیرد، آنان با مجازات و جریمه این گروه مواجه خواهند شد. یک باشنده کابل که نمی‌خواهد نامش در گزارش ذکر شود، می‌گوید در ساختمانی که او زنده‌گی می‌کند، دوربین امنیتی کمک به کاهش دزدی نکرده است. او می‌افزاید: «در خانه‌ای که ما زنده‌گی می‌کنیم، دوربین در منزل آخر به سمت کوچه نصب شده است، اما دزد از پشت سر خانه‌ها وارد یک منزل شد و دارایی صاحب خانه را به غارت برد. باز طالب‌ها آمدند که یک کمره دیگر بخرید، به سمت دیگر نصب کنید. همان وقت نفرهای طالب‌ها چک کردند، هیچ چیزی پیدا نشد. از روزی که کمره زیاد شده، دزدی هم زیاد شده است.»

این باشنده کابل می‌گوید: «این کمره‌ها برای جاسوسی نصب شده است. مستقیم بالای دروازه خانه‌ها نصب شده است که روزانه به خانه‌ها کی رفت‌وآمد می‌کند و چه قسم چادر/لباس می‌پوشد و در کل رفتار مردم را نظارت می‌کنند.»

این در حالی است که دختران و زنان معترض نیز این اقدام طالبان را تداوم نقض گسترده حقوق بشری از سوی این گروه می‌دانند. به گفته آنان، طالبان علاوه بر نقض حقوق بشری شهروندان، با این کارشان مانع اعتراض‌های خانه‌گی و فضای سربسته زنان نیز خواهند شد.

ماریا (مستعار) یکی از زنان معترض می‌گوید که طالبان این کار را با روبرداری از سیاست‌های دولت ایران انجام داده‌اند. به گفته او، ایران برای فشار و سرکوب مخالفان خود و نیز بررسی حجاب زنان، از دوربین‌های امنیتی کار می‌گیرد. ماریا می‌افزاید که این گروه، از ایران الهام گرفته است و می‌خواهد زنان را حتا در خانه و کوچه‌شان زیر نظارت داشته

کشور این روند عملی خواهد شد. سخنگوی وزارت داخله طالبان گفته است که این دوربین‌ها در برخی از شاهراه‌ها، میدان‌های هوایی و نقاط مهم نصب شده و تعداد دوربین‌های مداربسته به‌گونه مخفی بیشتر از آمار ارایه‌شده است. او افزوده است: «هم اکنون در شهر کابل و سایر اماکن مهم بیش از ۶۲ هزار کمره امنیتی ظاهراً نصب شده که شاید کمره‌های مخفی بیشتر باشد. این کمره در اماکن مهم و مزدحم بوده است. او همچنان تاکید کرده که نصب دوربین‌های امنیتی در شهر کابل، میزان جرایم جنایی را کاهش داده است.»

همزمان با اظهارات طالبان در مورد دوربین‌های امنیتی، برخی از آگاهان امور امنیتی به این باورند که نصب این دوربین‌ها کمکی به کاهش جرایم نمی‌کند. به گفته آنان، طالبان توانایی و ظرفیت لازم استفاده آتی از این دوربین‌ها را ندارند و زمانی که جرم اتفاق افتاد، آنان دوربین‌های امنیتی را بررسی می‌کنند که نقشی در جلوگیری از جرم ندارد.

یک نظامی پیشین که نمی‌خواهد نامش در گزارش ذکر شود، می‌گوید که طالبان اراده جاسوسی و تفتیش عقاید مردم را دارند. به گفته او، طالبان این اقدام را برای تحت کنترل گرفتن هر چه بیشتر مردم و جلوگیری از تجمع‌ها و گردهمایی شهروندان اتخاذ کرده‌اند. این نظامی پیشین می‌افزاید که طالبان از نشست‌های کوچک و خانه‌به‌خانه مخالفان خود هراس دارند و از این رو، در کنار گماشتن جاسوسان، از تکنولوژی نیز برای اهداف سیاسی خود مدد جستند و دنبال می‌کنند که چه کسانی به مناطق مورد نظر آنان رفت‌وآمد می‌کنند.

در همین حال شماری از باشنده‌گان شهر کابل می‌گویند که دوربین‌های امنیتی کمکی به کاهش جرایم و دزدی نکرده است. به گفته آنان، این

طالبان ۶۲ هزار دوربین امنیتی را به‌گونه علنی و هزاران دوربین دیگر را به‌گونه مخفی در شهر کابل نصب کرده‌اند. این گروه گفته که نصب این دوربین‌های مداربسته به هدف افزایش امنیت و کمک به جلوگیری از حوادث جنایی صورت گرفته است. طالبان به تمام مالکان خانه‌ها و دکان‌داران در پایتخت دستور داده‌اند که نصب این دوربین‌ها اجباری است. این گروه افزوده که در سیاست‌گذاری چهارساله خود، این برنامه را در تمام شهرهای افغانستان به منظور کاهش جرایم، اجرایی خواهند کرد. شماری از جنبش‌های زنان، فعالان مدنی و باشنده‌گان کابل اما می‌گویند که این دوربین‌ها در کاهش جرایم و دزدی در این شهر کمک نمی‌کند و صرف برای «جاسوسی و نقض حریم خصوصی» نصب شده است. آنان تاکید می‌ورزد که اکثریت این دوربین‌ها بالای دروازه‌های حویلی‌ها و بلندمنزل‌ها نصب شده که رفت‌وآمد باشنده‌گان را زیر کنترل داشته باشند. باشنده‌گان کابل خاطر نشان می‌سازند که طالبان با توزیع فورم‌های اطلاعاتی به مالکان بلندمنزل‌ها و صاحبان خانه‌ها، هشدار داده‌اند که عدم نصب این دوربین‌ها، منجر به جریمه آنان خواهد شد. با این حال، سازمان عفو بین‌الملل این اقدام طالبان را روشی مستبدانه، نقض‌کننده حقوق اساسی و نقض‌کننده حریم خصوصی شهروندان توصیف کرده است.

عبدالمتین قانع، سخنگوی وزارت داخله طالبان، به‌تازگی از نصب ۶۲ هزار دوربین امنیتی علنی و هزاران دوربین مخفی دیگر در شهر کابل خبر داده است. او در یک نوار تصویری به رسانه‌ها گفته است که براساس طرزالعمل جدید این گروه، در ۳۴ ولایت

تقلا برای بقا؛

دختری که از میان محدودیت‌ها جوانه زده است

کامین کاوه



شدید و روزافزون طالبان، متوقف نشده و کارش را از چهاردیواری خانه به‌گونه آنلاین پیش می‌برد. او دودستی به پیشرفت کارش چنگ انداخته است. آرزو دارد تا روزی طراح لباس خوب در عرصه مدوفیشن شود و اسمش در کنار طراح‌های مشهور جهان قرار بگیرد. حرفه‌ای که در حاکمیت طالبان ممنوع و خلاف شریعت خودساخته این گروه است.

ادامه در صفحه ۵

ایستاده‌گی زنان، به‌خصوص زنان معترض در برابر طالبان سبب شده است تا او نیز اسارت را قبول نکند و در برابر ناملامت‌های روزگار بجنگد. با تلاش‌های فراوان توانسته است راه دیگری برای بیرون رفت از بحران کنونی بیابد و تجارت کوچکی با اندک‌ترین سرمایه دست‌داشته‌اش دست‌وپا کند. از بام تا شام در گوشه‌ای از خانه‌اش به دور از دید حاکمان دیارش مصروف کسب‌وکار برای ادامه حیات و رسیدن به رویای دیرینه‌اش است. با وجود محدودیت‌های

دوباره و سربلندکردن از زیر آوارهای ناامیدی، محکم و استوار است. می‌گوید که تا ریشه در آب است، امید به ثمر است. با استفاده از اندک ریشه‌ای که در آب باقی مانده است، در حال تقلا برای بقا و جوانه زدن دوباره است. او زیر پرچم حاکمیت استبدادی گروهی زنده‌گی می‌کند که او را به‌خاطر جنسیتش از همه حقوق انسانی محروم کرده؛ اما وحیده تسلیم‌ناشدنی و شکست‌ناپذیر است. روحیه جنگ‌جویانه دارد و

پس از بارها ناامیدی و بسته ماندن درب دانشگاه‌ها به‌روی دختران به سمت راه و رویای دیگری پا گذاشته است. هنوز امید در چشمانش پیداست و سخنانش بوی زنده‌گی می‌دهد. عزمش برای آغاز

دوربین‌های مداربسته طالبان؛

چه چیزی در حال وقوع است؟

خانه‌های مردم، زمینه اخاذی‌های بیشتر تفنگ‌داران و حتا مقام‌ها و رهبران را فراهم می‌کند. آن‌ها که از لواط و روابط جنسی خود با پسران کم‌سن به منظور باج‌گیری جنسی بیشتر فلم می‌گیرند، وقتی دوربین‌های خود را بر دروازه‌های خانه‌های مردم نصب کنند، همه آموشده‌ها را می‌توانند کنترل کنند و از روابط افراد فلم بگیرند. آن زمان، اخاذی‌ها بیشتر خواهد شد. احساس امنیت که همین حالا هم وجود ندارد، آن زمان جایش را به ترس مدام می‌دهد.

استراتژی ترس

روابط حاکمان و شهروندان دو نوع است: یک‌طرفه و دوطرفه. در حکومت‌های دیکتاتوری، روابط یک‌طرفه است و از جانب دولت حاکم دستورهای صادر می‌شود و قوانینی وضع می‌گردد که مردم در آن‌ها دخیل نیستند و منافع‌شان در نظر گرفته نمی‌شود. نوع دوم روابط، در حکومت‌های مردم‌سالار و آزاد حاکم است که در آن اراده و منافع شهروندان بر تصمیم‌گیری‌های دولت تأثیر می‌گذارد. در حقیقت، مردم می‌توانند دولت را به چالش بکشند و برخی دستورهای آن را که مغایر قوانین و منافع خود ببینند، رد کنند. از سوی دیگر، نماینده‌گان مردم در پارلمان قوانین را وضع می‌کنند که در آن الزامات منافع مردم اولویت می‌یابد.

حالا که در افغانستان گروه طالبان بر سرنوشته مردم مسلط شده، نه پارلمانی وجود دارد، نه قوانینی و نماینده‌گی‌ای. بنابراین، این‌جا بدترین نوع رابطه یک‌طرفه بین شهروندان و حاکمان وجود دارد. خلاف دولت‌های دموکرات و مردم‌سالار، در حاکمیت‌های دیکتاتوری، حاکمان با عرضه خدمات نمی‌توانند رضایت مردم را جلب کنند. بنابراین، آن‌ها به جای جلب رضایت شهروندان، آن‌ها را می‌ترسانند تا بر آن‌ها کنترل بیابند. گسترش ترس، استراتژی این نوع حاکمیت برای کنترل مردم است و این، محوری‌ترین استراتژی طالبان از بدو تولد بوده است. آن‌ها از هر ابزار و فرصتی برای ترساندن بیشتر مردم استفاده می‌کنند. شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌ها، جاده‌ها و ادارات دولتی در سراسر کشور در راستای تخویف مردم توسط طالبان به کار گرفته می‌شود.

فلم‌برداری از شکنجه‌های مردم، سیلی زدن به آن‌ها، کشت‌وخون‌ها و هر رفتار خشونت‌آمیز دیگر و نشر آن‌ها در فضای مجازی و رسانه‌های دیداری، به همین منظور صورت می‌گیرد. آن‌ها مخالفان خود را با ارایه خدمات و فراهم کردن فرصت‌های کار، نمی‌توانند به موافقان و دوستان خود تبدیل کنند. چنین توانی در وجود آن‌ها نیست. تنها کاری که خوب بلدند، ترساندن مردم است. آن‌ها که زمانی فلم و عکس گرفتن و حتا دیدن آن‌ها را حرام می‌دانستند، اکنون آن «حرام» دیروز «حلال» امروز شده و توسط این گروه در راستای ترساندن مردم به کار گرفته می‌شود. تا کنون این استراتژی طالبان نتیجه مؤثری داشته است. مردم در حالی که از فقر، محدودیت‌های دست‌وپاگیر، ظلم و ستم طالبان، بیکاری و تبعیض رنج می‌برند، صدای اعتراض خود را بلند نمی‌توانند. آن‌ها از این که صدای خود را بلند کنند و مورد شکنجه و کشتار طالبان قرار گیرند، می‌ترسند. پس از این دوربین‌های مداربسته، ترس را بیشتر گسترش می‌دهد و مردم را در وحشت مدام قرار خواهد داد.

از آن‌جایی که هیچ قانونی در کشور وجود ندارد، مردم نمی‌دانند چه اقدام و رفتاری ممکن است سر آن‌ها را به باد دهد یا حداقل آن‌ها را به شکنجه‌گاه‌های طالبان بیندازد. رژیم طالبان که در هیچ زمینه‌ای قانون ندارد، در زمینه استفاده از دوربین مداربسته هم قانونی نخواهد ساخت. مردم در غیبت قانون، نمی‌دانند چه رفتاری را می‌توان جرم تعبیر کرد. از سوی دیگر، از منطقه‌ای تا منطقه‌ای دیگر رفتار طالبان فرق دارد. این هم به اخلاق و نوع برخورد طالبان موظف در آن‌جا ربط می‌گیرد و هم به همان مردم و نسبت آن‌ها با طالبان. مردم هرچه نسبت کمتری با طالبان داشته باشند، بیشتر مورد غضب و ظلم این گروه قرار می‌گیرند. در آن صورت، ممکن است هر رفتاری را به جرم و جنایت تعبیر کنند و دست به شکنجه و کشتار مردم بزنند. این وضعیت، به لطف تزویج اسلام طالبانی با تکنولوژی چینی، افغانستان را به یک زندان هوشمند بدل خواهد کرد که در آن هر طالبی بتواند مطابق میل خود قربانی‌اش را انتخاب کند و به شکنجه او بپردازد یا جان‌ش را بگیرد.

برای حریم خصوصی مردم بیفتد. گروه طالبان به محض تسلط بر افغانستان، قانون اساسی و به تبع آن همه قوانین وضعی را لغو کرده است. اکنون کشور در غیبت قانون اداره می‌شود و در این وضعیت هیچ سازوکار بازدارنده‌ای در برابر رفتار تفنگ‌داران طالب وجود ندارد. یک جنگ‌جوی طالب خود هم قانون است، هم قانون‌گذار، هم مجری قانون، هم سارنوال و قاضی و هم تطبیق‌کننده جرم. در چنین کشوری، نصب دوربین‌های مداربسته هم قانون‌مند نمی‌شود. این امر، دست کاربران آن‌ها (تفنگ‌داران طالب) را باز می‌گذارد تا به هر مکانی که بخواهند سرک بکشند، از مردم عکس و ویدیو بگیرند و مرزهای حریم خصوصی و عمومی را بشکنند.

آیا این دوربین‌ها امنیت افغانستان را تأمین خواهد کرد؟

نصب دوربین مداربسته در دولت جمهوری اسلامی افغانستان آغاز شد. آن دولت از سال ۲۰۰۸ که تهدیدهای طالبان در شهرها رو به افزایش گذاشت، برخی دوربین‌های مداربسته را در سطح شهر نصب کرد؛ البته در چهارراهی‌ها، دروازه‌های ورودی شهر کابل و دیگر نقاط عمومی اما مزدحم. هدفی که با نصب آن دوربین‌ها در نظر گرفته شده بود، توسط دولت جمهوری به دست نیامد. یکی از دلایل، کمبود تعداد دوربین بود و دلیل دومی استفاده طالبان و پسان داعش از وسایط نقلیه برای حمله بود که کارشناسی را دشوار می‌کرد. اکثر حمله‌های بزرگی که در سطح شهر کابل توسط گروه‌های طالبان و داعش در یک دهه اخیر انجام شد، عاملان آن‌ها بارها از زیر دوربین‌های مداربسته دولت عبور می‌کردند، اما شناسایی نمی‌شدند. مثلاً در اوایل جوزای ۱۳۹۷ وزارت داخله در یکی از مرکزی‌ترین نقاط کشور مورد حمله گروه داعش قرار گرفت. در آن زمان جنرال داوود امین، قوماندان امنیه وقت کابل، به رسانه‌ها گفت که مهاجمان با موتر شیشه‌سیاه بدون پلید دو بار از زیر دوربین‌های مداربسته گذشتند، اما شناسایی نشدند. به گفته او، نگهبانان وزارت داخله هم آن‌ها را شناسایی نتوانستند و فکر کردند که نیروهای امنیتی هستند. پس از آن هم حملات طالبان و داعش بر شهرها ادامه یافت تا این‌که دولت سقوط کرد. بعد از سقوط، داعش ماموریت مشترک خود و گروه طالبان را برعهده گرفته و پیوسته بر شهرها حملات انتحاری و انفجاری راه‌اندازی می‌کند.

اگر آن زمان مهاجمان می‌توانستند با استتار، خود را به نقاط مهم و حساس برسانند و حملات خود را انجام دهند، با نصب دوربین‌های بیشتر نیز آن‌ها خود را استتار خواهند کرد. وقتی دوربین‌های مداربسته اطراف میدان هوایی کابل مانع مهاجم داعش بر تجمع مردم در حال فرار نشد و از تلاشی‌ها و سخت‌گیری‌های جنگ‌جویان طالب هم گذشت، پس از این هم دوربین به تنهایی نمی‌تواند امنیت را تأمین کند. حالا که جنگ‌جویان طالبان با جنگ‌جویان گروه‌های تروریستی دیگر مانند داعش ظاهری مشابه دارند و از یک نوع پوشش استفاده می‌کنند، تشخیص آن‌ها دشوارتر است. این گروه همچنان به موترهای یک کلید سند و جواز سیر داده است که خود می‌تواند زمینه‌های سوءاستفاده در رویدادهای امنیتی را فراهم کند. بنابراین، طالبان که برخورد با شهروندان را هنوز یاد ندارند، فقط می‌توانند از این دوربین‌ها علیه مردم استفاده کنند.

باری، اصل ناامنی در گذشته و حال از آشیانه طالب برخاسته است. همین که گروه طالبان بخواهد و بتواند جنگ‌جویان و مقام‌هایش را کنترل کند و دست آن‌ها را از جیب و گلوئی مردم بردارد، احساس امنیت به جامعه تا حد زیادی برمی‌گردد. این امر، به دوربین و شرکت‌های چینی ضرورت ندارد.

افزایش اخاذی از سوی طالبان

هیچ اعتمادی میان مردم و گروه حاکم وجود ندارد. این گروه که از بدو تاسیس تا کنون با اخاذی پیش آمده، نصب دوربین‌های مداربسته در شهرها و



کلمه محمدعلی نظری

هیچ اعتمادی
میان مردم

و گروه حاکم وجود ندارد. این گروه که از بدو تاسیس تا کنون با اخاذی پیش آمده، نصب دوربین‌های مداربسته در شهرها و خانه‌های مردم، زمینه اخاذی‌های بیشتر تفنگ‌داران و حتا مقام‌ها و رهبران را فراهم می‌کند.

است، به این دلیل که آن دوربین‌ها حریم خصوصی او را نقض کرده است. سرانجام او دعوا را برد و اتهام‌ها علیه او رد شد. در جامعه‌ای که طالبان حاکمان آن باشند، حتا تصور احتمال چنین صیانتی از حریم خصوصی افراد ناممکن است.

اهمیت کاربر

نصب دوربین‌های مداربسته از سوی دولت‌ها امری جدید نیست. از این دوربین‌ها در سراسر جهان استفاده می‌شود. کاربرد اصلی آن، پیش‌گیری از جرایم یا شناسایی مجرمان پس از ارتکاب جرم است. نصب این دوربین‌ها در برخی کشورها جنجال‌برانگیز و در برخی دیگر بدون جنجال بوده است. آن‌جا که میان مردم و دولت اعتماد وجود دارد و دولت هم رفتار خود را مطابق قوانین تنظیم می‌کند، مردم کمتر بابت نصب این دوربین‌ها نگران می‌شوند. در جاهایی که دولت و مردم به هم‌دیگر نمی‌توانند اعتماد کنند، این دوربین‌ها به شدت ترساننده و وحشت‌ناک می‌شود. تانزانیا یکی از نمونه کشورهایی است که نصب دوربین‌های مداربسته جنجال‌برانگیز را تجربه کرده است. نمونه موفق آن هم بریتانیاست که در سراسر آن کشور ۵٫۲ میلیون دوربین مداربسته یعنی در ازای هر ۱۳ نفر یک دوربین نصب شده است. در آن‌جا اما مردم نگران نیستند. دلیل آن، وجود دولت مشروع و قانون‌گراست که استفاده از همین دوربین‌ها هم رهنمودها و قوانین و مقررات خود را دارد.

این بسیار مهم است که چه کسی از دوربین‌های مداربسته استفاده می‌کند؛ یک دولت مشروع یا یک گروه تروریستی. از سویی، این مهم است که چه رهنمودهایی برای استفاده از آن وجود دارد و چه قوانینی برای آن تصویب شده است. برای مردم مهم است که عکس‌ها و ویدیوهای آن‌ها توسط چه کسی ضبط و دیده می‌شود و احیانا مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین، در کنار آن که نصب این‌همه دوربین به خودی خود حریم خصوصی مردم را مورد تهدید قرار می‌دهد، استفاده آن توسط یک گروه تروریستی بی‌قانون، بدترین اتفاقی است که می‌تواند

این روزها بسیاری کسانانی که افغانستان را به یک زندان بزرگ تشبیه می‌کنند. دلیل آن، وضع محدودیت‌های دست‌وپاگیر بر زنده‌گی عمومی و خصوصی مردم از سوی گروه طالبان است. این محدودیت‌ها از فضای عمومی تا به خصوصی‌ترین مکان‌ها از جمله تخت خواب زوج‌ها کشیده شده است. وضع هر محدودیتی، به‌مثابه دیواری است که دور شهروندان کشیده می‌شود. اکنون که دیوارها تکمیل شده، بخشی از این زندان بزرگ هوشمند شده است و بخشی دیگر قرار است به‌زودی با کمک تکنولوژی پیش‌رفته چین هوشمند شود. پس از آن، هر تحرک شهروندان از سوی گروه حاکم رصد خواهد شد و طالبان چهارچشمه آن‌ها را در همه‌جا خواهند پایید. این اتفاقی است که به‌زودی در کشور خواهد افتاد.

عبدالمتین قانع، سخنگوی وزارت داخله گروه طالبان، اخیراً گفته است که تا کنون بیش از ۶۲ هزار دوربین مداربسته علنی در شهر کابل و برخی نقاط مهم دیگر کشور نصب شده است و قرار است سراسر کشور توسط این دوربین‌ها تحت پوشش قرار گیرد. او افزوده است که در شهر کابل تعداد دوربین‌های مخفی نسبت به دوربین‌های علنی بیشتر است. پارسال وقتی مرکز آموزشی کاج در دشت برچی کابل مورد حمله انتحاری داعش قرار گرفت، طالبان به شهروندان دستور دادند که دوربین‌های مداربسته را بر دروازه‌های خانه‌های خود نصب کنند. حالا که یک سال از آن واقعه می‌گذرد، وزارت داخله طالبان از نصب و فعال‌سازی بیش از ۶۲ هزار دوربین علنی در شهر کابل خبر می‌دهد. این دوربین‌ها به مرکزی در قوماندانی امنیه طالبان در کابل وصل است و از آن‌جا جاده‌ها و خانه‌های مردم رصد می‌شود.

نصب این دوربین‌ها از پارسال که بحث آن مطرح شد، نگرانی شهروندان را برانگیخت. مردم نسبت به احتمال نقض حریم خصوصی خود نگرانی دارند و این نگرانی روزه‌روز جدی‌تر می‌شود. حالا که براساس برخی گزارش‌ها قرار است طالبان با همکاری شرکت تکنولوژی چینی هواوی سراسر کشور را تحت پوشش دوربین‌های مداربسته این شرکت قرار دهند، یک بار دیگر بحث حریم خصوصی و لزوم رعایت و احترام آن مطرح شده است. طالبان اما پاسخی در این مورد نمی‌دهند. در حقیقت، به این نگرانی‌ها اهمیت نمی‌دهند. در کشورهایی که دولت‌های مردم‌سالار و دموکرات دارند، حریم خصوصی اهمیت بالایی دارد. نقض آن حریم حتا توسط دولت مشروع، ممنوع است. یکی از نمونه‌ها، پرونده ر.و وانگ کانادایی است. محکمه‌ای در سال ۲۰۱۸ آقای وانگ را به دلیل نگهداری مواد مخدر به منظور فروش آن محکوم کرد. این حکم براساس ویدیویی صادر شده بود که توسط دوربین‌های مداربسته دولت از خانه آقای وانگ ضبط شده بود. وانگ ادعا کرد که آن اسناد فاقد اعتبار

دختری که...

وحیده ۲۲ سال سن دارد. او دختری است از جنس فولاد، مقاوم در برابر برخورد های ظالمانه جوی که در آن در تقلا ی رستن است. او دانشجوی سال دوم رشته انجینری صنایع کیمیایی در دانشگاه پولی تخنیک کابل است. پس از بسته شدن درب دانشگاه ها و محدودیت های کاری بر زنان و دختران، او در اعماق تاریکی جهل برای ادامه رویای طراح شدن به دنبال فانوس آرزوهایش جست. کارش را شش ماه پیش با اندک ترین وسایل و سرمایه دست داشته اش آغاز کرد که تا حال پیشرفت خوبی داشته است. فراورده هایی که آن را برای مشتریانش به گونه آنلاین می فروشد، شامل لباس، بلوز، بیک و کلاه است که آن ها را ابتدا با دست طراحی کرده و بعد با همکاری چند خیاط می دوزد. برای جذب مشتریان بیشتر، به محصولاتش در شبکه های اجتماعی بازاریابی می کند. تا حال توانسته است به جز از شهر کابل محصولاتش را در چند ولایت دیگر نیز به گونه آنلاین به فروش برساند.

وحیده از ایام نوجوانی دوست داشت طراح شود. این رویا باعث شد تا در کنار درس های دانشگاه به دنبال این حرفه نیز باشد و همزمان هر دو را تعقیب کند. دوست دارد روزی هم انجینر و هم طراح خوبی شود. علاقه شدیدی او به طراحی سبب شده بود تا نصف روز را در دانشگاه سپری کند و باقی روز را در صدد ایجاد سالونی به اسم خودش باشد که در آن لباس طراحی کند. او می خواست که پایه های ابتدایی تجارتش را با حمایت طراح های دیگری که در کابل فعالیت داشتند، بگذارد؛ اما دولت سقوط کرد و طالبان به قدرت بازگشتند. با اعمال قیدوبندها بر زنده گی زنان از سوی این گروه، وحیده از ادامه تحصیل و دستیابی به رویای طراح شدن باز ماند. او، همانند بسیاری از زنان و دختران دیگر، پس از توقف چرخ زنده گی به دست طالبان، ناامید و دل شکسته شده بود؛ اما ایستاده گی زنان در برابر طالبان و عشق به رویاهایش او را وا داشت تا مبارزه کند: «بعد از آمدن طالبان و بسته شدن درب دانشگاه ها از سوی این گروه، نزدیک به یک سال است که دانشگاه رنتم. در این مدت روزهای بسیار سخت و ناامیدکننده داشتم. ترس از زنده ماندن، ترس از زنده گی کردن، ترس از ادامه دادن و خانه ماندن در حاکمیت طالبان، تأثیرات منفی بالایی گذاشته بود. من هم مثل خیلی از دختران دیگر یک دوره بدی را سپری کردم، اما تا جی وقت زانوی غم بغل کنیم و تماشاگر باشیم. من هم تصمیم گرفتم همانند زنان معترض شجاع باشم و راه دیگری برای تحقق رویاهایم بیابم. تحصیل را منع کردند؛ اما تا راهی است در پی آرزوهای دیگر خود می باشم.»

با این که گروه طالبان حضور زنان را در جامعه ممنوع کرده و در صدد بستن راه های خودکفاشدن زنان است، اما عده ای از دختران و زنان همانند وحیده، در تلاش شکستن زنجیر اسارت این گروه هستند. او می خواهد که از هر راه ممکن، حتی از چهاردیواری خانه روزنه ای برای حضور دوباره در اجتماع بیابد. محدودیت های طالبانی او را مضمم بر ادامه راهش کرده است و یک تنه برای پیشرفت تجارت کوچکش کار می کند.



وحیده از طریق بازاریابی در شبکه های اجتماعی کارش را آغاز کرد. پس از این که محصولاتش را در شبکه های اجتماعی به معرفی می گیرد، متقاضی برای خرید آن بیش تر از حد تصورش افزایش می یابد و حالا محصولات خود را به گونه آنلاین به دسترس مشتریان در شهرهای کابل، بلخ و تخار قرار می دهد. راضی بودن و پسندیدن مشتریان از محصولاتش سبب شده است تا او روی کیفیت، تنوع و گسترش بازار تجارت آنلاینش تلاش کند و فراورده هایش را نه تنها در افغانستان، بلکه در خارج از کشور نیز معرفی کند: «باورم نمی شد که در مدت کم کارم رونق خوبی کند و مشتریان محصولاتم را بیستند، اما حالا از توسعه کار خود تا حدی در داخل افغانستان راضی هستم و تلاش دارم تا حد امکان در بازار محصولاتم را به فروش برسانم و به دنبال راهی باشم تا فراورده هایم را به بیرون از افغانستان نیز به معرفی بگیرم.»

در سرزمینی که هنوز تفنگ بر مردم حاکم است، زور و استبداد جاگزین قانون شده و زنان در چهاردیواری خانه های شان محکوم به حبس شده اند، وحیده نترسیده و تلاش می کند تا با محدودیت های طالبانی به مبارزه برخیزد. او برای رسیدن به آرزوهایش از هیچ تلاشی دریغ نمی ورزد. گروه طالبان ابتدا حق تحصیل را از او گرفته و حالا در صدد این است تا برای همیشه وجود او را از صحنه محو کند. او می گوید: «می دانم که اگر طالبان باندن دختران در جست و جوی راه بدیل برای تحقق رویاهای شان هستند، صد درصد سد راه ما می شوند. به همین دلیل، کار کردن بیرون از خانه برایم آسان نیست، ولی با آن هم تلاش می کنم.»

وحیده می گوید که اگر زمینه برای ادامه تجارت نوپایش در خارج از کشور فراهم شود، جایی که مردم به هنر و مَدوفیشن ارزش قایلند، بدون هیچ درنگی افغانستان را ترک خواهد کرد. به عنوان یک دختر دست و پا بسته در غل و زنجیر طالبان، از جامعه جهانی می خواهد که به هیچ عنوانی این گروه را به رسمیت نشناسند و در عوض برای تغییر وضعیت زنان و دختران در افغانستان اقدام عملی کنند.

گفتوگو با داکتر قیس نسیمی؛

مراقبت های صحی چشم با بحران روبه روست



اشاره: داکتر قیس نسیمی، یکی از متخصصان برجسته امراض و جراحی چشم در افغانستان است. او فیلوشیپ قرینه کشور جرمنی را دارد و عضو بوردهای رهبری و مسوول نشرات انجمن داکتران چشم در افغانستان است. آقای نسیمی عملیات های متعدد چشم را در افغانستان انجام داده است. به گفته او، فقر و بی سوادی، تبعیض جنسیتی و عدم دسترسی مردم به مراکز صحی و نبود دانش کافی چشم در میان شهروندان، عامل عمده افزایش بیماری های چشم در کشور است. آقای نسیمی می گوید که پس از فروپاشی نظام جمهوریت در افغانستان، مراقبت های صحی چشم با بحران مواجه شده است. او فرار متخصصان چشم، نبود مصونیت کاری، برخورد های سلیقه ای، تبعیض قومی و کاهش کمک های جهانی در بخش صحت را از عوامل این بحران می داند.

کلمه امین کاوه

۸صبح: آقای نسیمی ممنون از این که فرصت خود را در اختیار روزنامه ۸صبح قرار دادید. به عنوان نخستین پرسش، بیماری های چشم شامل چه انواع می شود و در افغانستان کدام نوع آن بیشتر شایع است؟

نسیمی: تشکر از شما و سپاس گزارم از این که زمینه این گفت و گو را مساعد ساختید. امیدوارم از این طریق کمکی به شهروندان کشور انجام داده باشم. در پاسخ به پرسش شما باید بگویم که بیماری های چشم عموماً به شکل آفات ولادی چشم که عمدتاً در اثر مشکلات ژنتیکی و ارثی به وجود می آید و سپس به شکل بیماری های اکتسابی چشم تقسیم می گردد. پرده چشم، استحاله وابسته به سن مکولا، عیوب انکساری چشم، گلوکوما یا آب سیاه، عفونت های چشم، آفات چشمی از اثر شکر و فشار بلند خون و سوخته گی های کیمیایی و ترضیضات چشم از جمله بیماری های معمول چشم در افغانستان محسوب می گردد.

۸صبح: گفته می شود شیوع نابینایی در نزد زن ها نسبت به مردان بیشتر است، چرا؟ آیا این موضوع به لحاظ علمی ثابت شده یا یک غلط مشهور است؟

نسیمی: بلی، شیوع نابینایی در نزد زن ها نسبت به مردان بیشتر است؛ چون بر اساس تحقیقاتی که صورت گرفته، ۵۵ درصد نابینایی نزد خانم ها و ۴۵ درصد نزد مردان واقع می شود. دلیل عمده این است که اوسط عمر زنان نسبت به مردان بیشتر است. از همین رو بیشترین واقعات نابینایی در سنین بزرگسالی به وجود

می آید. از جانب دیگر، در برخی از کشورهای کمتر توسعه یافته به شمول افغانستان، عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سبب می گردد که زنان به خدمات صحی چشم کمتر دسترسی داشته باشند. امراض چشم در بین زنان نسبت به مردان در افغانستان نیز بیشتر است؛ زیرا فقر، بی سوادی، تبعیض جنسیتی، عدم دسترسی زنان به مراکز صحی، ناتوانی خانم ها برای سفر جهت تداوی، نداشتن تعلیمات صحی و ناآگاهی در مورد قابل علاج بودن بسیاری از امراض چشم است که منجر به نابینایی می گردد. از طرف دیگر، تداوی های عنعنوی باعث شیوع نابینایی در نزد خانم ها نسبت به مردان بیشتر است و سبب می گردد که آمار مبتلایان بیماری چشم در میان زنان بیشتر شود.

۸صبح: اسباب عمده نابینایی را در کشور امراض پرده چشم (Cataract)، تشکیل می دهد. تداوی پرده چشم با توجه به سطح پایین عرضه خدمات در افغانستان چه قدر میاری و قابل اطمینان است؟

نسیمی: عمده ترین عامل نابینایی در کشور پرده چشم است. البته باید یادآور شد که شایع ترین عامل نابینایی در تمام جهان نیز پرده چشم است. همچنان شایع ترین عمل جراحی چشم، عملیات پرده چشم است. در دهه های اخیر، جراحی پرده چشم به کمک تکنولوژی پیشرفته تر و مدرن تر شده است، از جمله عملیات «لازیری» چشم که خیلی مشهور است و در افغانستان نیز صورت می گیرد. اما عملیات فیکو (لازیری)، نیازمند تجهیزات پیشرفته و متخصصان ورزیده است. متأسفانه عملیات پرده چشم هنوز در شماری از مرکزهای صحی افغانستان به شکل ابتدایی آن صورت می گیرد. اما مشکل عمده و اساسی سطح پایین دسترسی مردم به مراقبت های صحی چشم، مشکلات اقتصادی و اجتماعی و ناآگاهی از تعلیمات صحی چشم است.

۸صبح: آیا خطاهای انکساری چشم به ویژه سیاه آب قابل تداوی است؟

نسیمی: البته خطاهای انکساری و گلوکوما یا آب سیاه، دو میحث جداگانه است. خوشبختانه هر دو قابل علاج و پیشگیری است. در قسمت عیوب انکساری چشم عمدتاً نقص در سیستم نوری چشم به صورت ارثی موجود است و در صورتی که به موقع تشخیص و اصلاح گردد، قابل علاج است.

آب سیاه یک بیماری شدیداً کورکننده و پیش رونده است که منجر به بلند رفتن فشار داخل چشم، آسیب عصب بینایی و کاهش میدان بینایی نزد بیمار می گردد و غیر قابل برگشت است. بسیار زیاد مهم است که این بیماری در اوایل تشخیص و تداوی آن به صورت منظم صورت گیرد تا از نابینایی دایمی و غیرقابل برگشت جلوگیری گردد.

۸صبح: چند درصد مردم افغانستان در زمان حیات خود مبتلا به بیماری های چشم و نابینایی می شوند؟

شیوع نابینایی در نزد زن ها نسبت به مردان بیشتر است؛ چون بر اساس تحقیقاتی که صورت گرفته، ۵۵ درصد نابینایی نزد خانم ها و ۴۵ درصد نزد مردان واقع می شود. دلیل عمده این است که اوسط عمر زنان نسبت به مردان بیشتر است. از همین رو بیشترین واقعات نابینایی در سنین بزرگسالی به وجود می آید.

می آید. بر اساس آمارهایی که از سروی عوامل نابینایی در ولایت کابل به دست آمده است و من در آن سروی سهم فعال داشتم و یک تیم را رهبری کردم، حدود ۲.۴ درصد جمعیت این ولایت از نابینایی قابل علاج رنج می برند. حدود ۸۲ هزار و ۸۴۷ تن که عمدتاً دارای سن ۵۰ و بالاترند، از تناقص بینایی به درجات مختلف رنج می برند. البته تنها در ولایت کابل، عمدتاً عوامل آن را پرده چشم، استحاله وابسته به سن شبکه چشم و عیوب انکساری اصلاح نشده چشم تشکیل می دهد.

۸صبح: بیماری های چشم معمولاً ناشی از چیست؟

نسیمی: یکی از عوامل عمده نابینایی، افزایش سن نزد افراد است. بیشترین واقعات نابینایی در افراد مسن دیده شده است.

عوامل محیطی از قبیل شعاع ماورای بنفش، تشعشعات، سوخته گی های کیمیایی چشم، امراض میکروبی چشم، ترضیضات چشم، عوارض جانبی دواها و استفاده خودسر ادویه توسط مریضان می تواند عوامل دیگر نابینایی را تشکیل دهند. با تغییرات شیوه زنده گی مردم و به میان آمدن سهولت های زنده گی، امراضی از قبیل مرض شکر و فشار بلند خون در کشورهای توسعه یافته، یکی از عوامل عمده نابینایی را تشکیل می دهد.

۸صبح: استفاده از وسایل و ابزارهای الکترونیکی به شمول تلفن و کمپیوتر چه قدر به چشم ضرر دارد؟

نسیمی: استفاده طولانی مدت و بیش از حد از وسایل الکترونیکی از قبیل کمپیوتر، موبایل و تبلت، می تواند منجر به مشکلات بینایی و ناراحتی های چشمی گردد. استفاده از ابزارهای الکترونیکی، یکی از مشکلات عمده قرن ۲۱ را تشکیل می دهد. باید تا حد ممکن استفاده آن محدود گردد و شیوه های استفاده مصون آن در نظر گرفته شود.

۸صبح: عوارض چشم بیشتر در کدام فصل های سال تشدید و شایع می شود و برای جلوگیری از آن چه باید کرد؟

نسیمی: یک تعداد از امراض چشم در فصل های مشخص سال بیشتر می شود. از آن جمله یکی هم حساسیت های فصلی چشم است که بیشتر در فصل بهار و تابستان با گرم شدن هوا، واقعات آن افزایش می یابد. هر چند جلوگیری از حساسیت های فصلی چشم بسیار زیاد مشکل است، با آن هم کمتر قرار گرفتن در معرض شعاع آفتاب، استفاده از عینک های آفتابی محافظتی و شست و شوی چشم ها با آب سرد چندین مرتبه در روز، در کاهش عوارض چشمی ناشی از حساسیت های فصلی چشم کمک کننده است.

۸صبح: پس از سقوط افغانستان به دست طالبان، اکثریت کادرهای متخصص چشم از کشور فرار کرده اند. وضعیت بیماراران چشم را چگونه ارزیابی می کنید؟

نسیمی: پس از فروپاشی نظام جمهوریت در افغانستان، سکتور صحت به ویژه مراقبت های صحی چشم با بحران صحی مواجه شده است. از یک طرف فرار کادرهای متخصص، عدم مصونیت کاری، برخورد های سلیقه ای و سیاسی در گماشتن افراد در مدیریت نهادهای مربوطه و تبعیض قومی سبب گردیده تا اکثر مراکز صحی چشم با کمبود افراد متخصص مواجه گردند و از جانب دیگر، قطع کمک های جامعه جهانی به سکتور صحت و مشکلات اقتصادی مردم منجر به فاجعه صحی در کشور گردیده است.

ادامه در صفحه ۷



کس پرتو نادری

بخش چهارم

موضوع دیگری که در طور معرفت در پیوند به آن باید بحث کرد، توصیف چاه‌های مس و انبوهی کودکان، زنان و مردانی است که به تعبیر بیدل آن جا مصروف کان کنی و جان‌کنی‌اند. بیدل وضعیت دشوار کار در این چاه‌ها و زنده به گور شدن آن مزدوران بی‌چاره را هنگامی که چاه‌ها فرو می‌گلند، چنان بیان می‌کند که موی بر اندام انسان راست می‌شود. گویی تاریخ‌نویسی به نگارش دقیق اجزای تاریخ خویش پرداخته است. این موضوع اهمیت بزرگ جامعه‌شناختی نیز دارد و ما را با تلخ‌ترین شیوه استثمار انسان روبه‌رو می‌سازد. بیدل این بخش مثنوی طور معرفت را با بیت‌هایی خطاب به خودش این گونه آغاز می‌کند:

بیا ای نغمه‌سنج شیشه و سنگ
که در ساز تو ناپیداست آهنگ
هنوز این لفظ‌ها محروم معنی‌ست
قیامت می‌فروشی مقصدت چیست
خوشا کاین پرده بر گرداند آواز
ادای مدعای دل کند ساز
نواها این زمان مقصدپیام است
شررها را در این جا شعله نام است
در این کهسار توفان صداهاست
نگاهی کین قیامت تا کجا خاست
بر آتم کز بیان حیرت‌انجام
به طوف گوش عبرت بندم احرام
سر از گل‌گشت اطرافش برآرم
عجایب‌های قدرت برشمارم
طور معرفت، ص ۲۵

این جاست که اندیشه‌های اجتماعی بیدل در این مثنوی راه باز می‌کند و به بیان وضعیت کارگران و مزدورانی می‌پردازد که در دامنه‌های کوه در کان‌های مس، به‌سختی کار می‌کنند.

بیدل در دامنه‌های کوه بیرات، توفان صداهایی را می‌شنود و بر آن می‌شود تا سر از گل‌گشت آن بر آرد و با زبان حیرت‌انجام خویش عجایب‌های قدرت را برشمارد. از راز آن توفان صداها پرده برمی‌دارد و به توصیف وضعیت مزدوران و کارگرانی می‌پردازد که در دامنه‌های کوهستان بیرات از ریگ روغن می‌کشند. توصیف چاه‌های معدن، شیوه استخراج مواد کانی و وضعیت ناگوار مزدوران، چنان دقیق و مشخص است که انسان تصور می‌کند که او خواسته است تا در زمینه تاریخی بنویسد.

حصول سیم و زر یعنی ز معدن
برون آوردن است از ریگ روغن

از ریگ روغن کشیدن، هنوز چنان مثلی در میان مردم وجود دارد. دو مورد کاربرد دارد. یکی برای آثانی می‌گویند که برای رسیدن به هدف خود تا پایان جان می‌کوشند و دست‌بردار نمی‌شوند. البته در مورد آن‌هایی به‌کار برده می‌شود که دل‌بسته‌گی زیادی به مال و منال دنیایی دارند و پیوسته به‌دنبال آنند.

از ریگ روغن به‌دست نمی‌آید؛ اما از ریگ روغن کشیدن، کنایه از کار شاق است که انسان سودجو با هر وسیله‌ای که می‌تواند باید در هر چیزی به سود خود برسد. حتا اگر به قیمت جان دیگران هم تمام شود.

در مورد افراد ممسک نیز به‌کار برده می‌شود که از هر پیوندی و از هر سخنی در هوای سود مادی خودند و در مقابل گاهی هم سودشان به کسی نمی‌رسد. چنین کسانی که از ریگ روغن می‌کشند هرگز دست گشاده برای دیگران ندارند. این اشاره بیدل به آن زرمندان آزمندی است که گروهی را اجیر کرده‌اند، آن گونه که از بیان بیدل روشن می‌شود گروهی را به برده‌گی گرفته‌اند تا دل زمین بر برای آنان بشگافند. بیدل از آنان با صفت «سخت‌روی» یاد می‌کند.

نگردد رفع از ایشان سخت‌رویی

دیدگاه‌های اجتماعی بیدل در طور معرفت

ز سیم و زر نیاید نرم‌خوبی
رگ سنگ است آن چین جبین نیست
دلیل سخت‌رویی‌ها جز این نیست
ز بس دارند ساز سرگرانی
سزد گر منعمان را سنگ‌خوانی
که دل‌هاشان بساط زر شماری‌ست
نگاه آینه‌دار سیم‌کاری‌ست
زد از دل پرتو زر این قدر جوش
که ظاهرها چو باطن گشت زربوش
همان، ص ۲۸

در بیت‌های بالا، بیدل تصویری از آن منعمان یا از آن زراندوزانی می‌دهد که جز رسیدن به سیم و زر دیگر هدفی در زنده‌گی ندارند. از آنان به صفت سخت‌روی یاد می‌کند که خط جبین‌شان مانند رگ‌های سنگ است. نهادشان و عاطفه‌های انسانی‌شان نیز سنگ شده است. همین دسته از سخت‌روی‌باند که گروهی از مردم را چنان برده‌گانی به دامنه‌های کوه آورده‌اند تا از دل سنگ برای آنان زر و سیم بیرون کنند.

گروهی هم‌چو چین در دامن کوه
به ذوق چاه‌کندن گشته‌انبوه
ز تدبیر دیگرشان دست کوتاه
دلیل یوسف مقصد همان چاه
به آن کوشش که کوه از هیبت آن
سراسر کوچه‌گرد چون نیستان
به آن جهدی که سنگ جوف‌نایاب
کند قالب تهی تا مرکز آب
همان، ص ۲۹

مزدوران گویی خود به بخشی از کوه بدل شده‌اند. گرد آمده‌اند تا کوه را به چاهساری بدل کنند و سرنوشت دیگری هم ندارند جز آن‌که چون یوسفی در چاه انداخته شوند و آن جا با آن کوشش هیبت‌ناک، کوه را سراسر چون نیستانی کوچک‌کوچه سازند تا از رگ سنگ‌ها زر و سیم بیرون کنند، آن هم نه برای خود، بل برای منعمان آزمند.

هزاران چاه و بر هر چاه خلقی
نه سامان ردایی و نه دلقی
به عریانی سرا پا قطره آب
به آهنگ چکیدن اشک بی‌تاب
تردد پیشه اطفال و زن و مرد
بدن‌ها خاک‌مال و چهره‌ها زرد
چو بر سوراخ‌ها انبوهی مور
و جوشن‌های خون در طبع ناسور
دمی کاین‌ها فرود آیند در چاه
رسن چون دار باشد جاده و راه
به چاه از آرزوی جان‌کنی‌ها
روان چون دلو یک‌سر بی‌سروپا
رسن‌باز کشاکش‌ها نفس‌وار
گهی در چاه و گاهی بر سر دار
همان، ص ۲۹

بیدل در این بیت‌ها ما را با طیف نیروی کار آشنا می‌سازد که کودکان، زنان و مردانند. کودکان در گام نخست، شاید شمارشان چشم‌گیرتر از دیگران است. این خیلی‌ها به فکر آدمی نزدیک می‌آید. برای آن که مالکان کان‌ها - همان‌هایی که از پهلوی سنگ ساغر می‌کشند - برای پرداخت مزد کم‌تر کودکان و زنان را بیش‌تر از مردان به مزدوری کشیده‌اند. آن‌ها را با ریسمان‌هایی چنان دلوهایی به ژرفای زمین می‌اندازند؛ اما گاهی این ریسمان‌ها برای آنان ریسمان دار می‌شوند و دیگر زنده از آن ژرفا بیرون نمی‌آیند. رفت‌وآمد این مزدوران را که گاهی چنان رسن‌بازان در چاه می‌روند و گاهی بیرون بر سر چاه می‌آیند به رفت‌وآمد نفس تشبیه می‌کند. رفت‌وآمد نفس، زنده‌گی را تضمین می‌کند؛ البته زنده‌گی منعمان را. یعنی زنده‌گی سرمایه‌داران و مالکان کان‌ها وابسته به همین رفت‌وآمد مزدوران در چاه و بیرون آمدن آنان از چاه است.

بیدل در بیت‌های دیگری، وضعیت این مزدوران را این گونه بیان می‌کند:

به فرق هر یک افروزان چرافی
سر سودایی و سامان داغی
همه چون شمع در ظلمت شناور

سری تاری به‌دست و شعله در سر
از آن شمع و رسن‌های نگون‌سار
حضیض آهنگ کوبک‌های دم‌دار
روان از قعر دوزخ هم فروتر
چو مغضوبان محشر چشم در سر
به چاه و کوشش از اختر گذشته
در آب و آتش از سر در گذشته
به رنگ دیده اهل ندامت
برانگیزند طوفان قیامت
برون ریزند از چاه آب چندان
که بی‌آبی زند بر خاک دندان
به پیش آید زمینی از مس ناب
که سیم و زر ز خاکش می‌خورد آب
همان، ص ۲۹

شرایط دشوار کار در کان‌ها با آن ابزارهای بسیار ابتدایی و وضعیت مزدورانی که هر آن زنده‌گانی‌شان با خطر مرگ و نابودی روبه‌رو است، چنان توصیف می‌شود که انسان بی‌اختیار با آن‌ها احساس همدردی می‌کند و خودش را در ژرفای چنین چاه‌هایی می‌بیند.

بیدل اما در همین جا توقف نمی‌کند. او از فرورفتن‌های مزدوران در ژرفای چاه‌ها نتیجه‌گیری‌هایی را در میان می‌گذارد. فریادهایی را از چاه‌ها می‌شنود که نفرینی است برای آثانی که به قیمت جان انسان‌های دیگر خود را به زر و سیم، جاه و مقام می‌رسانند.

طمع هر جا غبار خواهنش انگیخت
نخستین آبرو می‌باید ریخت
دمی کاین آب در جویت نماند
کف خاکی به دامانت فشانند
که اینک دست‌رنج سعی تدبیر
تو خواهی زر شمار و خواه مس گیر
چو نی فریاد می‌خیزد ز هر چاه
که ای صاحب‌تلاش منصب و جاه
اگر طبع تو سیم و زر پرست است
به پستی رو که دنیا سخت پست است
همان، ص ۳۰

اگر پستی خاستگاه سرمایه است، آیا این بیان بیدل گونه‌ای شک در برابر هر سرمایه‌ای را در ذهن آدمی بیدار نمی‌کند؟ پس همان سخن معروف نیست که در پشت هر سرمایه بزرگ، یک جنایت بزرگ نهفته است؟ به پستی رو که دنیا سخت پست است. آثانی که انبوه مردم را برای رسیدن به زر و سیم آن‌گونه که بیدل بیان می‌کند، در چاه می‌اندازند، در حقیقت انسانیت را در چاه می‌اندازند. شماری به هر قیمتی که است باید بمیرند تا دیگران به زر و سیم پنهان در دل کوه‌ها و کان‌ها برسند.

کار همیشه به سامان نیست. گاهی آن چاه‌ها و نقب‌ها فرو می‌ریزند و آن همه چراغ‌داران ریسمان به‌دست زنده به گور می‌شوند. چاه‌ها چنان اژدهایی لب فرو می‌بندند و بعد انبوه مزدوران را چنان لقمه‌ای فرو می‌بلعند.

بسی باشد که آن چاه بلاکیش
چو اژدرها به‌هم آرد لب خویش
تردد پیشه‌ها معدوم گردند
به چندین سخت‌جانی موم گردند
ز نعلینی که مانده بر سر چاه
برد اندیشه بر اعدادشان راه
از آن‌ها هر که نعلینی ندارد
همان خاک استخوان‌هایش شمارد
و گر سنگی فرو آید ز کهسار
بپوشاند جهانی را شرورار
ز هر چاهی لب‌گوری مقرر
ز هر سنگی اجل ایستاده بر سر
همان، ص ۳۰

چه اندوهی بزرگ‌تر از این که شمار کشته‌شده‌گان در کان‌های فروریخته را با شمارش نعلین‌های وامانده بر لب چاه تخمین می‌زنند. تازه متوجه می‌شوند که اصلاً شماری از آن کارگران سیه‌روز نعلینی هم نداشته‌اند. تنها خاک است که استخوان‌های آن‌ها را می‌شمارد.

گاهی هم فروافتادن سنگ‌ها از کوه است که زنده‌گی آنان را به آتش بدل می‌کند. هر سنگ در کوه گویی اجل آویخته بر سر آنان است و زمانی که فرو می‌آید، سر هر چاه خود به گورستان‌هایی بدل می‌شود.

بیدل با چنین مقایسه‌ای از بی‌عدالتی مسلط بر جامعه انتقاد می‌کند. گروهی کار می‌کنند و گروه دیگری ثمره کار آنان را می‌دزدند. تا آن جا از آنان بهره‌کشی می‌کنند که بمیرند یا هم از توان کار کردن بمانند. چنین است که زراندوزان از این همه حادثه‌های جان‌سوز، اندوهی در دل ندارند. برای آن که چین جبین آن‌ها از رگ سنگ است و دل‌های‌شان بساط زرشماری و در دل‌شان جز هوای زراندوزی دیگر چیزی نیست.

بیدل، بدون دلیل به نکوهش منعمان نمی‌پردازد. آن‌ها را در پیوند به جان‌کنی‌های آن کارگرانی که از آن‌ها به‌نام «ترددپیشه‌گان» یاد کرده است، سرزنش می‌کند که از مرگ آنان حتا خم بر ابرو نمی‌آورند.

ترددپیشه‌ها را می‌توان این گونه تعبیر کرد که آنان با آن که از دل رضایت ندارند که تن به چنان کارهای خطرناک دهند، اما جبر زنده‌گی ناگزیرشان می‌کند تا یک چنین کارهای شاقی را بپذیرند. در مقابل منعمان را سنگ می‌خواند و سنگ شدن یعنی از عاطفه، عشق و معنویت تهی شدن است. سنگ شدن یعنی مسخ شدن. او هر دو جهت مسأله را در نظر دارد. اگر منعمان را سنگ می‌انگارد، در جهت دیگر آثانی را که در خدمت این سنگ‌ها درآمده‌اند نیز هشدارباش می‌دهد:

کجایی ای هوس‌مزدور دنیا
به ذوق جان‌کنی مسرور دنیا
چه گوری این قدر در چاهت افگند
که بهر دیگران جان‌بایدت کند
همان، ص ۳۱

آن چاه‌کنان مزدور را نیز سرزنش می‌کند. سرزنش بیدل خود یک انتقاد اجتماعی است. او خواهان عدالت اجتماعی در جامعه است. نمی‌خواهد به قیمت جان‌کنی‌های انسان‌های فرودست جامعه، گروه دیگری در رفاه و تجمل زنده‌گی کنند. کسانی در دل چاه‌ها بمیرند تا کسانی به قله‌های بلند لذت‌های زنده‌گی برسند.

بیدل در یک نتیجه‌گیری این جهان را همان کوهستانی می‌داند که حرص و سیری‌ناپذیری پیوسته، انسان‌ها را به هوای رسیدن به زر و سیم، جاه و مقام به چاه می‌اندازد.

غرض این کوهسار سیم و زرخیز
جهانی راست آتش در جگرریز
چنان دکان‌چه نیرنگ آراست
که نتوان از سر سوداش برخاست
نگردد تا قیامت این دکان سرد
اجل هم بر نیارد زین بنا گرد
سراسر حرص در کار است این جا
از این ره چاه بسیار است این جا
یکی جان‌کند آن دیگر زر اندوخت
گداز سعی این، آن دیگر افروخت
در این وادی توان فهمیدن آسان
غنای عالم و حرص عزیزان
امل‌ها بس که بر هم موج‌زن شد
به خود پیچید و سامان رسن شد
تردد محو فکر جاه‌گردید
فرو در خویش رفت و چاه‌گردید
هوس زان ریسمان‌ها عنکبوتی
طمع زین چاه‌ها خمیازه‌قوتی
سر چاه از رسن‌های گسسته
هزاران مار بر سوراخ بسته
امل‌گویی در این صورت نفس سوخت
که چندین ریسمان پاره اندوخت
ولی مشکل که حرص آدمی‌زاد
شود در خاک هم از کوشش آزاد
همان، ص ۳۲

و در فرجام، اندرزی دارد برای همه‌گان:
بیا ای بی‌خود افسانه زر
به چندین جست‌وجو پروانه زر
شنیدی مایه تحصیل زر چیست
به غیر از جان‌کنی دیگر هنر چیست
اگر در فکر جاهی رفته باشی
تو هم آخر به چاهی رفته باشی

مگر رشد حدیث جاکنی‌ها

شنیدن گیر یک‌سر دیدنی‌ها

زر و سیم تو نی دنیا نه دین است

«همین است و همین است و همین است»

همان، ص ۳۳

بیدل، انسان را از حرص برکنار می‌دارد. برای آن که حرص همان ریسمان‌های آویخته بر چاه‌هاست که ترا به ژرفای چنان چاهی فرو می‌اندازد که هر لحظه آن مرگ است.

گفتوگو...



۸ صبح: آقای نسیمی، ممنون از این که در این گفتوگو اشتراک کردید. در آخر به عنوان یک متخصص چشم، اگر سخنی برای مبتلایان بیماری‌های چشم دارید، بفرمایید.

نسیمی: تشکر از شما. پیشنهادات خود را در دو بخش خلاصه می‌کنم. بخش اول آن متوجه مردم و بخش دوم آن مربوط به نهادهای مسوول می‌شود. مردم باید در صورت بروز مشکل بینایی، به‌موقع به متخصص چشم یا نزدیک‌ترین مرکز صحتی چشم مراجعه کنند و از تشدید مرض جلوگیری نمایند. همچنان تمام اطفال را قبل از سن پنج‌سالگی جهت ارزیابی مشکلات بینایی نزد متخصص چشم ببرند. بهتر است افراد مسن بعد از هر شش ماه تا یک سال، جهت ارزیابی مشکلات بینایی ناشی از آب سیاه، شکر و فشار بلند خون نزد متخصص چشم مراجعه کنند. از دواهای خودسر به‌شکل خوراکی و موضعی چشم، جدا خودداری شود. کوشش شود از وسایل الکترونیکی با صفحه نمایش از قبیل موبایل، کمپیوتر و تبلت به‌شکل درست آن استفاده گردد و استفاده آن را تا حد ممکن محدود سازند. برای تامین سلامت بینایی نیاز به تغذیه مناسب است. غذاهایی که حاوی چربی کم و شکر باشد و نیز از سبزیجات و میوه‌ها بیشتر استفاده صورت گیرد. برای جلوگیری از صدمات جریان کار، از عینک‌های محافظتی استفاده شود.

از سوی دیگر، سالانه تعداد زیادی از زن‌ها بینایی‌شان را در نتیجه انفجار دیگ بخار در زمان آشپزی از دست می‌دهند. کوشش شود از دیگ‌های بخار استندرد استفاده کنند. این وقایع متأسفانه در کشور زیاد است و در این مورد توجه جدی لازم است.

همچنان نهادهای مسوول به‌ویژه بخش مراقبت‌های صحتی چشم، برنامه‌های تحقیقی بیشتر را در شهرهای پرنفوس و سایر نقاط کشور به منظور ارزیابی عوامل نابینایی راه‌اندازی کنند. بدون آرایه آمار دقیق، برنامه‌ریزی در این بخش دشوار است و توجهی به وضعیت بیماران چشم صورت گرفته نمی‌تواند. سطح دسترسی به مراقبت‌های صحتی چشم و تعلیمات صحتی چشم را افزایش دهند و به ارتقای ظرفیت و برنامه‌های تخصصی و فوق تخصصی توجه بیشتر صورت گیرد. برنامه‌های کمپ‌های صحتی رایگان تداوی امراض چشم و سکرینگ مکاتب در نقاط دورافتاده کشور تقویت گردد تا معضل جدی بیماران چشم مرفوع شود.

آیا روسیه ناگزیر به حمایت از جبهه مقاومت ملی است؟

کج شجاع‌الدین امینی



درست است که روسیه قدرت بزرگ است و نقشش در شورای امنیت سازمان ملل متحد برجسته است و پس از امریکا، دومین قدرت نظامی دنیا به حساب می‌رود؛ ولی برای فعلاً این کشور توان حمایت از جبهه مقاومت ملی را ندارد؛ چون پیش از این در دام جنگ اوکراین گیر کرده است. مسکو پیدا نیست که از پس جنگ اوکراین، سلامت بیرون می‌شود یا نه.

باشد. میزبانی روسیه از مسعود، نشان می‌دهد که طالبان در تعامل با واشنگتن و مسکو نتوانسته‌اند موازنه را حفظ کنند. حالا، اگر روسیه، جبهه مقاومت را نوازش کند، بدون شک، امریکا، طالبان را بیش‌تر نوازش خواهد کرد که این زیان‌ش برای افغانستان بیش‌تر است. روشن است که ایالات متحده اگر برای به‌رسمیت شناختن طالبان وارد میدان شود، بسیاری از کشورهای غربی و منطقه را به‌دنبال خود می‌کشاند؛ چیزی که طالبان بارها ادعان کرده‌اند و این کشور را عامل به‌رسمیت‌نشاندن اداره سرپرست‌شان دانسته‌اند. برای نمونه، چندی پیش، شبرمحمد عباس استانکزی، معین سیاسی وزارت امور خارجه طالبان، در گفت‌وگو با تلویزیون طلوع، اظهار داشت: «اگر امریکا، امارت اسلامی را به‌رسمیت بشناسد و سفارتش را در افغانستان بازگشایی کند، کشورهای دیگر امارت اسلامی را به‌رسمیت خواهند شناخت.»

۳- روسیه، ضعیف است

درست است که روسیه قدرت بزرگ است و نقشش در شورای امنیت سازمان ملل متحد برجسته است و پس از امریکا، دومین قدرت نظامی دنیا به حساب می‌رود؛ ولی برای فعلاً این کشور توان حمایت از جبهه مقاومت ملی را ندارد؛ چون پیش از این در دام جنگ اوکراین گیر کرده است. مسکو پیدا نیست که از پس جنگ اوکراین، سلامت بیرون می‌شود یا نه. این که روسیه جبهه جدیدی از جنس طالبان علیه خود ایجاد کند، خیلی بعید به نظر می‌رسد. قاعدتاً روسیه فکر می‌کند که درگیر شدن با طالبان، آرزوی ایالات متحده امریکاست. پس بدیهی است که نمی‌خواهد آرزوی رقیبش را برآورده کند.

مسکو اما به پای این خواست خود خواهد ایستاد: ایجاد دولت فراگیر در افغانستان. امارت طالب با این شکل و ماهیت را دشوار است که مسکو به‌رسمیت بشناسد. این کشور، حضور متحدان سنتی‌اش در قدرت را مهم می‌داند. نه حال که در گذشته نیز مسکو روی این امر تأکید داشته است. برای نمونه، رنگین دادفر اسپینتا، در کتاب خاطراتش به‌نام «سیاست افغانستان؛ روایتی از درون» می‌نویسد که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، در دیدار با حامد کرزی، رئیس‌جمهور پیشین افغانستان، از غیبت متحدانش در دولت وقت شکایت کرده و از شخص مارشال عبدالرشید دوستم، رهبر حزب جنبش ملی، نام برده است.

مقام‌های مسکو، برای فعلاً مصلحت کشورشان را در تداوم سیاست تعامل با طالبان می‌بینند، نه حمایت از جبهه ضد طالبان. تا زمانی که منافع مسکو مستقیماً از سوی طالبان یا از سوی گروه‌های تروریستی مستقر در خاک افغانستان تهدید نشود، روسیه در مسیر مخالفت با طالبان قدم نخواهد گذاشت. در این شکی نیست که روسیه با میزبانی از مسعود، کام طالبان را تلخ کرده است؛ ولی با میزبانی از طالبان در نشست فارم‌ت مسکو، جبران خواهد کرد.

خارج و توسعه بین‌المللی پارلمان کانادا، برگزار شده بود، اشتراک و سخنرانی کرد. همچنان، هیاتی از آدرس جبهه مقاومت با هیات امریکایی در جنوری سال جاری دیدار داشت. ولی، این دیدارها حمایت کشورهای نامبرده از جبهه مقاومت را به‌دنبال نداشته است.

روسیه، نیز تابع همین قاعده است و با میزبانی از مسعود می‌خواهد به طالبان تلنگر بزند؛ چون فعل و انفعالات این گروه در این اواخر ممکن است مسکو و متحدانش را نگران کرده باشد. اظهارات جو بایدن، رئیس‌جمهور امریکا، مبنی بر تفاهم پنهانی با طالبان برای کشتن ایمن الظواهری، رهبر شبکه القاعده، برای مسکو گوش‌نواز نبود. همچنان، دیدار اخیر نماینده‌گان طالبان با هیات امریکایی در دوحه برای مسکو ناراحت‌کننده بود. مهم‌تر از آن، اسکان اعضای تحریک طالبان پاکستانی (تی‌تی‌پی) در شمال افغانستان، برای متحدان روسیه در آسیای میانه خطرآفرین است. با توجه به این نگرانی‌ها، میزبانی مسکو از مسعود را می‌توان نوعی واکنش نرم این کشور در برابر طالبان دانست. شاید این اولین بار باشد که مسکو به‌مثابه متحد سنتی جبهه ضد طالبان، از احمد مسعود میزبانی می‌کند. این می‌تواند در پاسخ به انتقادهایی باشد که علیه شورهای چون روسیه، هند و ایران مطرح می‌شود. بسیاری‌ها به این کشورها توصیه می‌کنند که نباید همه تخم مرغ‌های‌شان را در سبد طالبان بگذارند؛ چون در گذشته از حامیان جبهه ضد طالبان بودند. برای همین است که سرگئی میرونوف، مقاومت کنونی علیه تروریسم در افغانستان را ادامه مبارزه احمدشاه مسعود، فرمانده پیشین جبهه ضد طالبان، خوانده است.

۲- حفظ موازنه، دشوار است

رابطه میان روسیه و دولت‌های غربی به‌ویژه ایالات متحده امریکا، شدیداً تیره است. امریکا و روسیه برای فعلاً در میدان نبرد اگر نه به‌گونه مستقیم علیه یکدیگر شمشیر می‌زنند. در این صورت، حفظ موازنه میان دو کشور، برای طالبان و همین‌طور جبهه مقاومت ملی دشوار و چه بسا که ناممکن

به‌تازگی احمد مسعود، رهبر جبهه مقاومت ملی، به روسیه سفر کرده و با سرگئی میرونوف، رهبر حزب عدالت و معاون پارلمان (دوما) این کشور، دیدار و گفت‌وگو کرده است. وضعیت حاکم بر افغانستان و چگونگی پایان دادن به آن، محور گفت‌وگوی طرفین را تشکیل می‌داده است. براساس گزارش‌ها، سرگئی میرونوف، گفته است که در خزان سال روان، نشست پیروان افغانستان در پارلمان روسیه برگزار می‌شود که احمد مسعود، یکی از سخنرانان خواهد بود.

همزمان با این دیدار، الکسی شوتسوف، معاون شورای امنیت روسیه، وضعیت جاری در افغانستان را محل ثبات در آسیای میانه دانست و گفت: «چالش‌های امنیتی روسیه در کشورهای آسیای میانه بیش‌تر از جانب افغانستان است.» وی، همچنان مدعی شد که برگشت ثبات در افغانستان ده‌ها سال به طول می‌انجامد و مسکو علاقه‌مند است این روند را کوتاه کند.

همچنان، ماریا زاخاروا، سخنگوی وزارت خارجه روسیه، پس از سفر احمد مسعود به این کشور، بار دیگر خواهان ایجاد حکومت فراگیر در افغانستان شد: «مسکو از طالبان و نماینده‌گان دیگر اقوام می‌خواهد که به‌منظور تشکیل یک حکومت واقعا فراگیر، تشدید مبارزه با تروریسم، مواد مخدر و تامین حقوق بشر وارد گفت‌وگو شوند.»

با توجه به نکات فوق، پرسش این است که آیا روسیه در دوراهی انتخاب میان طالبان و جبهه مقاومت ملی قرار گرفته است؟

۱- انتخاب روسیه، طالبان است

تا این دم هیچ نشانه‌ای نمی‌توان یافت که دلالت بر تیره‌گی رابطه میان مسکو و طالبان کند. برعکس، ظاهراً همه چیز میان طرفین رو به راه به نظر می‌خورد. در این اواخر، حتا تنش لفظی هم وجود نداشته است. در نیمه جولای سال روان، دیمیتری ژیرنوف، سفیر روسیه در افغانستان، در دیدار با مولوی امیرخان متقی، سرپرست وزارت خارجه طالبان، از وی برای اشتراک در نشست «فارم‌ت مسکو» که ممکن است در ماه‌های آینده برگزار شود، دعوت کرد. این امر، حکایت از گرمی رابطه میان طرفین می‌کند. این در حالی است که در نشست قبلی فارم‌ت مسکو که در نوامبر ۲۰۲۲ برگزار شد، از طالبان دعوت نشده بود. مهم‌تر از آن، مسعود با نماینده پارلمان مسکو دیدار کرده است نه مقام حکومتی. البته با توجه به سیستم سیاسی بسته‌ای که روسیه دارد، نمی‌توان تأثیر رضایت و عدم رضایت مجریان دولت را در زمینه نادیده انگاشت.

پس با این حساب، دیدار احمد مسعود با معاون دوما روسیه را نمی‌توان لزوماً حمایت این کشور از جبهه ضد طالبان معنا کرد. برای نمونه، علی میثم نظری، مسوول روابط خارجی جبهه مقاومت ملی، در اکتوبر ۲۰۲۱ با معاون و اعضای پارلمان فرانسه دیدار و گفت‌وگو داشت و همین‌طور در جون سال روان، در نشستی که از سوی کمیته دائمی امور

صبح
روایت دیروز، آینه امروز، نوید فردا

صاحب امتیاز: سنجر سهیل
مدیرمسوول: محمد محق
سرمدیر: حسین بهش
تحلیل‌گران: یونس نگاه، علی سجاد مولایی
دبیر گزارش‌ها: فهیم امین
دبیر تولید: محمد نوید جویرا

خبرنگار ارشد: امین کاوه

ویراستاران: محمدعلی نظری، مقیم مهران

صفحه آرایی: رضا مرادی

پذیرش مقالات: Info@8am.media

پذیرش مقالات: Shaparsepehr@gmail.com • ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ • ۰۷۸۷۸۷۹۹

نشانی پستی: صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان

۸ صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده دیدگاه ۸ صبح است.

سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

Publisher:
Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

Editor-in-Chief:
Mohammad Moheq
Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media
Youtube.com/Hashtesubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.media_official
www.8am.media

شرکت فضایی اسپیس ایکس از پرتاب ۲۲ ماهواره استرالینک با موشک فالکون ۹ به مدار زمین خبر داده است. ایلان ماسک، مالک این شرکت روز جمعه، ۱ سپتامبر، با نشر تصویری از جریان پرتاب فالکون ۹ از این رویداد اطلاع داد. اسپیس ایکس نوشته است: «فالکون ۹، ۲۲ ماهواره استرالینک را به مدار فلوریدا پرتاب کرد.» موشک فالکون ۹ حامل فضاپیمای استرالینک اوایل روز جمعه، ۱ سپتامبر، ایستگاه نیروی فضایی کیپ کاناروال فلوریدا را به مقصد مدار زمین ترک کرد. موشک فالکون ۹ قرار بود روز گذشته به مدار زمین پرتاب شود، اما به دلایل فنی این کار با تأخیر صورت گرفت.

اتحادیه اروپا شورای نظامی نیجر را تحریم می کند



مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا پس از نشست وزرای خارجه این اتحادیه در اسپانیا با هشدار به رهبران شورای نظامی حاکم بر نیجر از تصمیم این اتحادیه برای اعمال تحریم علیه این شورا خبر داده است.

اسوشیتدپرس، پنجشنبه شب، ۳۱ آگست، گزارش داده که وزرای خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا کودتا در نیجر را به شدت محکوم کردند و خواستار آزادی هرچه زودتر محمد بازوم، رئیس جمهور برکنار شده این کشور

شده‌اند.

جوزپ بورل، مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، در گفت‌وگو با سی‌ان‌ان تصریح کرده است: «با وزرای خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا درباره اعمال تحریم‌ها علیه حکومت نظامی در نیجر بحث کردیم و مراقب هستیم که این تحریم‌ها بر شهروندان نیجر تأثیر نگذارند.»

بورل هشدار می‌دهد که این اتحادیه اجازه نمی‌دهد حکومت کودتاچیان در این کشور افریقایی ادامه داشته باشد.

پس از آن که نظامیان گارد ریاست جمهوری نیجر در ماه گذشته قدرت در این کشور را به دست گرفتند، جامعه اقتصادی غرب افریقا رهبران کودتا در نیجر را به اقدام نظامی تهدید کرد. در مقابل شورای نظامی این کشور هشدار داد که این اقدام کشورهای غرب افریقا پیامدهای ناگواری در پی خواهد داشت.

این در حالی است که حکومت نظامی در نیجر از نارضایتی مردم نسبت به حاکم سابق طرفدار غرب سوء استفاده کرده و به هدف دریافت حمایت به گروه واگنر مستقر در روسیه روی آورده است.

زلنسکی:

اوکراین به ۱۶۰ فروند جنگنده اف-۱۶ نیاز دارد

ولادیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین می‌گوید که نیروهای هوایی این کشور برای مبارزه با تهاجم روسیه، به ۱۶۰ فروند جنگنده اف-۱۶ نیاز دارند.

خبرگزاری تاس پنجشنبه شب، ۳۱ آگست، به نقل از یوری ایگنات، سخنگوی نیروی هوایی اوکراین، گزارش داده است که ۶۰ فروند اف-۱۶ به انجام ماموریت‌های جنگی برای مقابله با حملات هوایی مسکو کافی است.

در همین حال، ولادیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین، در گفت‌وگو با شبکه پرتگالی RTP گفته است که بر سر ۵۰ تا ۶۰ هواپیما توافقاتی با کشورهای اروپایی صورت گرفته است.

وی تصریح کرده است: «آنها یک‌باره تحویل داده نمی‌شوند. در مجموع ما به حدود ۱۶۰ فروند اف-۱۶ نیاز داریم تا یک نیروی هوایی مجهز داشته باشیم که از تسلط روسیه بر آسمان جلوگیری کند و اوکراین را قادر بسازد تا دفاع هوایی و کنترل کشتی‌ها در دریای سیاه را حفظ کند.»

پیش از این مقام‌های در کی‌یف گفته بودند که برای تجهیز کامل نیروی هوایی و به‌هدف جاگزینی جنگنده‌های ساخت شوروی، به ۱۲۸ فروند جت جنگی اف-۱۶ نیاز دارند.

این در حالی است که چند روز پیش دنمارک و هلند در جریان سفر زلنسکی به این کشورها اعلام کردند که تعدادی از جنگنده‌های اف-۱۶ را در اختیار کی‌یف قرار می‌دهند.

بر پایه اطلاعات دنمارک ۴۲ فروند و هلند ۱۹ فروند جنگنده اف-۱۶ در اختیار ارتش اوکراین قرار می‌دهد. قرار است روند ارسال این هواپیماها در اوایل سال آینده میلادی آغاز شود.

دنمارک و هلند دو عضو ناتو هستند که رهبری تلاش‌های بین‌المللی برای آموزش خلبانان و کارکنان، نگهداری هواپیماها و در نهایت امکان دستیابی اوکراین به جنگنده‌های اف-۱۶ برای استفاده در جنگ با روسیه را برعهده دارند.

ارتش آزادی بخش بلوچ: در سه حمله جداگانه سه نظامی پاکستان را کشتیم

این جریان نظامی مدعی است که نیروهای پاکستانی پس از شکست از مواضع شان بر اهداف غیرنظامی تیراندازی کرده‌اند.

ارتش پاکستان تا کنون در مورد این ادعای ارتش آزادی بخش بلوچ چیزی نگفته است.

ارتش آزادی بخش بلوچ از جریان‌های نظامی جدایی طلب ضد دولت پاکستان است و برای تشکیل دولت مستقل با ارتش پاکستان درگیر هستند.

پیش از این نیز، این جریان نظامی بارها از حمله بر نظامیان پاکستانی در مناطق مختلف این کشور خبر داده بود.

ارتش آزادی بخش بلوچ ادعا کرده که طی سه حمله جداگانه نیروهایش در ساحات مختلف پاکستان دست کم سه نظامی این کشور کشته و هشت تن دیگرشان زخمی شده‌اند.

جیان بلوچ، سخنگوی این جریان نظامی روز جمعه، ۱ سپتامبر، با نشر خبرنامه‌ای گفته که نیروهای آنان بر ارتش پاکستان در ساحات کلات، زاموران و بولان در ایالت بلوچستان این کشور حمله کرده‌اند.

طبق خبرنامه ارتش آزادی بخش بلوچ، دو حمله از این میان شب گذشته و حمله دیگر ۲۴ آگست بر یک پایگاه نظامی پاکستان انجام شده است.



هند و چهار کشور دیگر نقشه جدید چین را رد کردند



می‌شود، مورد انتقاد قرار داده است.

ماتریسیتا دازا، سخنگوی وزارت امور خارجه این کشور گفته است: «آخرین تلاش چین برای مشروعیت بخشیدن به حاکمیت و صلاحیت در مناطق دریایی، براساس قوانین بین‌المللی هیچ مبنایی ندارد.»

در همین حال، وزارت امور خارجه مالیزیا گفته که یادداشت اعتراضی را به دلیل ادعاهای چین در مورد دریای چین جنوبی به این کشور ارسال خواهد کرد.

با این همه، ویتنام و تایوان هم به اعلام نقشه جدید چین واکنش نشان داده‌اند. مقام‌های این دو کشور گفتند که بیجینگ در تلاش تصرف قلمرو کشورهای همسایه است. مقام‌های چینی تا کنون در مورد این واکنش‌ها ابراز نظری نکرده‌اند.

این در حالی است که چین چند روز پیش نقشه‌ای را که به گفته مقام‌های این کشور در گذشته مشکل‌دار بودند، منتشر کرده است.

براساس این نقشه بیجینگ برخی از مناطقی مورد منازعه را شامل قلمرو خود کرده است.

دولت‌های هند، فلپین، مالیزیا، ویتنام و تایوان نقشه ملی جدید چین را رد کرده و بیجینگ را به تجاوز به قلمروشان متهم کرده‌اند.

به گزارش اندیاتودی این دولت‌ها روز پنجشنبه، ۳۱ آگست، در بیانیه‌های جداگانه نقشه تازه اعلام شده از سوی چین را بی‌اساس خوانده‌اند.

مقام‌های هند با ارایه نقشه استاندارد از مناطق آرونچال پرادش و آکسای به چین تأکید کردند که این اقدامات بیجینگ چالش‌های مرزی میان این دو کشور را پیچیده می‌کند.

اس جایشانکار، وزیر امور خارجه هند، در واکنش به این اقدام چین گفته است: «صرف ادعاهای پوچ، قلمرو دیگران را مال شما نمی‌کند.»

وزارت منابع طبیعی چین روز دوشنبه، ۲۸ آگست، یک نقشه جنجالی منتشر کرد که ظاهراً مرزهای این کشور را در دریای چین جنوبی نشان می‌دهد.

دولت فلپین نیز نسخه ۲۰۲۳ چین از نقشه استاندارد خود را که شامل بخش‌های از دریای فلپین غربی

حمله انتحاری بر کاروان نظامی پاکستان در خیبرپختونخواه؛ ۹ سرباز کشته شدند

مقام‌های امنیتی پاکستان به رسانه‌های بین‌المللی گفته‌اند که بر کاروان نظامی این کشور در شمال غربی پاکستان حمله انتحاری صورت گرفته است.

مقامات پاکستانی به اسوشیتد پرس گفته‌اند که این حمله روز پنجشنبه، ۳۱ آگست، بر یک کاروان نظامی این کشور در بانو، یکی از ولسوالی‌های ایالت خیبرپختونخواه رخ داده که در نتیجه آن تا کنون کشته شدن دست‌کم ۹ سرباز این کشور تأیید شده است.

منابع گفته‌اند که در این حمله دست‌کم ۲۰ سرباز دیگر زخمی شده‌اند.

این رویداد پس از آن رخ داده که یک مهاجم انتحاری سوار بر یک موتورسایکل مواد دست‌داشته‌اش را در کنار کاروان نظامی پاکستان منفجر کرده است.

تا کنون مسوولیت این رویداد را هیچ گروهی برعهده نگرفته است.

ارتش پاکستان نیز تا کنون به‌گونه رسمی در این مورد چیزی نگفته است.

گفتنی است که پیش از این حملات مشابه را گروه تحریک طالبان پاکستانی (تی‌تی‌پی) برعهده گرفته است.

آتش‌سوزی در افریقای جنوبی؛

بیش از ۷۰ تن جان باختند

مقام‌ها در افریقای جنوبی می‌گویند که در پی وقوع آتش‌سوزی در یک ساختمان مسکونی در شهر ژوهانسبورگ این کشور، ۷۳ تن جان باختند و دست‌کم ۴۳ تن دیگر زخمی شده‌اند.

رویترز پنجشنبه شب، ۳۱ آگست، گزارش داده که این آتش‌سوزی در یک ساختمان پنج طبقه‌ای رخ داده که در آن بیشتر بیجا شده‌گان زنده‌گی می‌کرده‌اند.

مقام‌های مسوول در این شهر گفتند که ممکن برخی از اتاق‌های این ساختمان از سوی باند‌های تبهکار به اجاره گرفته شده باشند.

هنوز علت وقوع این آتش‌سوزی روشن نیست و مقام‌ها گفتند که بررسی‌ها در این زمینه جریان دارند.

سیریل رامافوسا، رئیس جمهور افریقای جنوبی گفته که امیدوار است تحقیقات در مورد علل این آتش‌سوزی از وقوع رویدادهای مشابه در آینده جلوگیری کند.

ژوهانسبورگ یکی از غیر معیاری‌ترین شهرهای جهان با فقر گسترده، بی‌کاری و بحران بودیاباش است. براساس اطلاعات این شهر حدود ۱۵ هزار بی‌خانمان دارد.

